

Perceived Injustice and Urban Vandalism among Adolescents: A Structural Equation Modeling Approach to the Mediating Role of Social Alienation

Mohammad Reza Heshmati¹

Received: 11/04/2025

Accepted: 29/07/2025

Extended Abstract

Vandalism among adolescents in large metropolitan areas is increasingly recognized not merely as a deviant individual act but as a social reaction to structural inequalities, spatial marginalization, and weakened social integration. In urban environments such as Tehran—characterized by profound disparities in access to services, uneven spatial development, and institutional failures adolescents often experience perceived injustice that affects their emotional well-being, sense of belonging, and modes of social expression. Drawing on urban sociology, theories of social justice (Homans), alienation (Marx, Simmel, Seeman), and the frustration–aggression model, this study examines how perceived injustice contributes to vandalistic behavior among adolescents and investigates the mediating role of social alienation in this relationship.

Methodology

This study employed a quantitative survey design. The statistical population consisted of all adolescents aged 14–17 living in Tehran during the 2024–2025 academic year. Using multistage cluster sampling, 350 adolescents were selected from districts 10, 15, 17, 18, and 20. Data were collected using standardized questionnaires measuring perceived injustice (8 items), social alienation (12 items based on the Dean–Gold scale), and vandalism (12 researcher-developed items). Content validity was confirmed by expert review, and reliability indices were satisfactory (Cronbach’s alpha: perceived injustice = 0.82; social alienation = 0.79; vandalism = 0.85).

Data analyses included One-Way ANOVA, Pearson correlations, Structural Equation Modeling (SEM), and Sobel mediation testing using SPSS 26 and SmartPLS.

¹. PhD in Sociology, Kashan University, Kashan, Iran.

How to cite this paper: Heshmati, Mohammad Reza. (2025). The role of perceived injustice in the escalation of vandalism mediated by social alienation among Tehran adolescents. *Sociological Urban Studies*, 15(55), 24-57. [In Persian]

 10.71547/urb.2025.1212504

Findings

Descriptive results demonstrated distinct spatial patterns: adolescents residing in low-income districts reported the highest mean levels of perceived injustice ($M = 4.04$), vandalism ($M = 3.95$), and social alienation ($M = 4.52$). ANOVA revealed significant differences across northern, central, and southern districts of Tehran ($p < 0.001$), indicating that urban spatial inequality strongly shapes adolescent experiences.

Correlation analysis confirmed significant positive associations between perceived injustice, social alienation, and vandalism ($r = .653$, $r = .585$, $r = .701$, $p < 0.001$).

SEM results indicated that perceived injustice has a strong direct effect on vandalism ($\beta = 0.681$; $t = 26.116$; $p < 0.001$) and a weaker but significant direct effect on social alienation ($\beta = 0.161$; $t = 2.455$; $p = 0.014$). Social alienation also exerted a substantial effect on vandalism ($\beta = 0.680$; $t = 13.246$; $p < 0.001$). The Sobel test confirmed that social alienation significantly mediates the relationship between perceived injustice and vandalism ($Z = 2.398$; $p = 0.016$). The model explained 46.4% of the variance in vandalism and 63.7% of the variance in social alienation.

Discussion

The findings illustrate that vandalism among adolescents in Tehran is deeply embedded within urban structural conditions. Perceived injustice—stemming from unequal access to opportunities, discriminatory institutional practices, and inequitable urban services—serves as a catalyst for frustration, alienation, and ultimately aggression expressed in vandalistic behavior. Social alienation functions as a psychological bridge between unfair urban experiences and destructive behavioral responses. Adolescents who feel marginalized, powerless, or excluded from meaningful participation in school, neighborhood, and city life are more likely to engage in acts of silent protest through vandalism. This pattern aligns with theories of urban marginality (Wacquant), the right to the city (Harvey, Lefebvre), and cultural resistance frameworks (Cohen).

Practical Implications

The study highlights the urgent need for urban and educational policymakers to strengthen procedural justice, reduce spatial inequalities, and create inclusive public spaces that foster adolescent participation. Enhancing school fairness, developing youth-centered community programs, expanding cultural and recreational facilities in marginalized neighborhoods, and establishing adolescent urban councils can mitigate social alienation and reduce vandalism.

Originality / Value

This research is among the first in Iran to simultaneously analyze perceived injustice, social alienation, and vandalism within a unified SEM-based framework grounded in urban sociology. By integrating structural, psychological, and spatial

dimensions, the study advances theoretical understanding of adolescent vandalism as a social reaction within unequal urban contexts and offers actionable insights for reducing antisocial behavior through justice-oriented urban policy.

Keywords: 3-5 key words should be provided.



سال پانزدهم، تابستان ۱۴۰۴ - شماره ۵۵

صفحات ۲۴-۵۷

نوع مقاله: پژوهشی

نقش بی عدالتی ادراک شده در تشدید وندالیسم با میانجی بیگانگی اجتماعی در میان نوجوانان تهران

محمدرضا حشمتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و به روش پیمایشی، به بررسی تأثیر بی عدالتی ادراک شده بر رفتارهای وندالیستی نوجوانان تهرانی با نقش میانجی‌گری بیگانگی اجتماعی پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش: جامعه آماری این تحقیق، کلیه نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ سال ساکن شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ را شامل می‌شود. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده و ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های استاندارد بوده و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۷ تأیید شده است. چارچوب نظری پژوهش بر مبنای اندیشه‌های هومانس در عدالت اجتماعی، مارکس و زیمل در تحلیل بیگانگی و نظریه ناکامی-پرخاشگری بنا شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری (SEM) و رگرسیون سلسله‌مراتبی انجام شده است.

یافته‌ها: بین بی عدالتی ادراک شده و رفتارهای وندالیستی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد و بیگانگی اجتماعی به عنوان متغیری میانجی، مسیر این رابطه را تقویت می‌کند ($p < 0.001$; $Z = 2.398$; $\beta = 0.681$). همچنین متغیرهای مدل توانسته‌اند ۴۶,۴ درصد از واریانس وندالیسم و ۶۳,۷ درصد از واریانس بیگانگی اجتماعی را تبیین نمایند.

نتایج: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نوجوانان در مواجهه با نابرابری‌های ساختاری و احساس طرد از سوی فضاهای شهری، گرایش بیشتری به رفتارهای ضداجتماعی پیدا می‌کنند. در این میان، تقویت عدالت رویه‌ای، گسترش مشارکت اجتماعی در مدارس و ارتقای حس تعلق به محله می‌تواند نقشی مؤثر در کاهش بروز چنین رفتارهایی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: بی عدالتی ادراک شده، بیگانگی اجتماعی، وندالیسم، نوجوانان، جامعه‌شناسی شهری، مدل معادلات ساختاری

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

استناد: حشمتی، محمدرضا. (۱۴۰۴). نقش بی عدالتی ادراک شده در تشدید وندالیسم با میانجی بیگانگی اجتماعی در میان نوجوانان تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۵ (۵۵)، ۲۴-۵۷.

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، گسترش رفتارهای آسیب‌زننده و ناسازگار با هنجارهای اجتماعی در میان نوجوانان ساکن شهرها، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، به یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان اجتماعی و پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی شهری تبدیل شده است. یکی از جلوه‌های آشکار این پدیده، خرابکاری و آسیب‌رسانی به اموال عمومی یا همان وندالیسم است؛ رفتاری که افزون بر خسارات مادی، حکایت از وجود بحران‌هایی ژرف‌تر در ابعاد روانی و ساختاری زندگی شهری دارد (Jafari et al, 2024). افزایش چنین رفتارهایی در فضاهای شهری تهران، به‌ویژه در نواحی کم‌برخوردار و حاشیه‌ای، نشانگر شکل‌گیری احساس نارضایتی و نوعی انزوای اجتماعی در میان جوانان و نوجوانان است؛ احساساتی که می‌توانند ریشه در نابرابری‌های موجود در ساختار شهر و توزیع ناعادلانه امکانات و فرصت‌ها داشته باشند (Jalilisadrabad & Behzadfar, 2023). در میان عوامل گوناگونی که در زمینه بروز رفتارهای آسیب‌زا در نوجوانان شهری شناسایی شده‌اند، احساس بی‌عدالتی جایگاهی ویژه دارد. این مفهوم به وضعیتی روانی-اجتماعی اشاره دارد که در آن نوجوان چنین برداشت می‌کند که از فرصت‌های برابر در زمینه‌هایی مانند آموزش، اشتغال یا مشارکت اجتماعی محروم شده و ساختارهای رسمی جامعه نیز به‌گونه‌ای ناعادلانه و تبعیض‌آمیز با او رفتار می‌کنند (Mahmoudi et al, 2018). این احساس نابرابری معمولاً با بیگانگی اجتماعی همراه است؛ حالتی که در آن نوجوان به‌تدریج از نهادهایی چون خانواده، مدرسه، جامعه و حتی فضاهای عمومی شهر فاصله می‌گیرد و پیوند عاطفی و ذهنی خود را با آن‌ها از دست می‌دهد (Ahmadi et al, 2020). از منظر نظری، ارتباط میان بی‌عدالتی ادراک‌شده و وندالیسم را می‌توان در چارچوب نظریه‌هایی همچون بیگانگی کارل مارکس، عدالت اجتماعی جان راولز و نظریه‌ی ناکامی-پرخاشگری تحلیل کرد. این دیدگاه‌ها بر این باورند که وقتی فرد، فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را ناعادلانه یا دست‌نیافتنی تلقی می‌کند، احساس ناکامی در او شکل می‌گیرد؛ احساسی که می‌تواند به بروز رفتارهای پرخاشگرانه علیه ساختارها یا نمادهای عمومی منجر شود (Joosse, 2021). در همین راستا، شواهد میدانی به‌دست‌آمده از شهر تهران نیز این نگاه را تأیید می‌کنند. طبق این یافته‌ها، نوجوانان ساکن در مناطق محروم یا طرد شده شهری بیش از دیگران دست به رفتارهای وندالیستی می‌زنند؛ چراکه احساس می‌کنند در معرض تبعیض ساختاری قرار گرفته‌اند و شهر نه تنها آنان را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه در برابر نیازهای آن‌ها بی‌تفاوت است (Shahi & Abdoh-Tabrizi, 2020). با این حال، مرور ادبیات تجربی در این حوزه نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها به‌صورت جداگانه به بررسی متغیرهایی همچون فقر یا نابرابری اقتصادی پرداخته‌اند و کمتر کوششی در جهت تحلیل هم‌زمان سه‌گانه بی‌عدالتی ادراک‌شده، بیگانگی اجتماعی و وندالیسم نوجوانان شهری در چارچوب جامعه‌شناسی شهری ایران صورت گرفته است. افزون بر این، در ادبیات فارسی، ساختارهای مفهومی منسجمی که بتوانند نقش میانجی بیگانگی اجتماعی را در رابطه‌ی میان بی‌عدالتی و رفتارهای پرخاشگرانه تحلیل

کنند، به‌ندرت یافت می‌شوند (Vatikiotis & Yörük, 2016) در همین زمینه، مطالعه‌ای که توسط جعفری و همکاران (۲۰۲۴) در میان نوجوانان در تهران انجام شد، نشان داد که احساس طرد اجتماعی، نبود چشم‌انداز روشن برای آینده و تجربه ساختارهای ناعادلانه، موجب بروز اشکال مختلف پرخاشگری‌های رفتاری و نمادین از جمله تخریب اموال عمومی، دیوارنویسی و مشارکت در شورش‌های شهری شده‌اند. این یافته‌ها ضرورت توجه به سازوکارهای روانی-اجتماعی مؤثر در بروز وندالیسم را برجسته می‌سازد. وندالیسم نوجوانان در کلان‌شهر تهران صرفاً یک رفتار نابهنجار فردی نیست، بلکه بازتابی از شکاف‌های ساختاری در توزیع فضاهای شهری، نابرابری نهادی و ضعف مشارکت اجتماعی است. از منظر جامعه‌شناسی شهری، این پدیده نوعی «زبان اعتراضی خاموش» محسوب می‌شود که از سوی نوجوانان طردشده و حاشیه‌نشین برای ابراز نارضایتی از شرایط نابرابر شهری به کار گرفته می‌شود. چنین کنشی افزون بر خسارات مادی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی محلی و احساس تعلق به شهر را نیز تضعیف می‌کند؛ بنابراین، بررسی آن در چارچوب جامعه‌شناسی شهری اهمیتی دوچندان دارد، زیرا وندالیسم را می‌توان شاخصی برای درک چگونگی بازتولید نابرابری‌ها و طرد اجتماعی در فضاهای شهری دانست. با توجه به این اهمیت، هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین رابطه میان بی‌عدالتی ادراک‌شده و بروز رفتارهای وندالیستی نوجوانان تهرانی، با تأکید بر نقش میانجی بیگانگی اجتماعی است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه تجربه نابرابری فضایی، اجتماعی و نهادی در تهران به احساس بیگانگی و طرد منجر شده و در ادامه، این احساس زمینه بروز رفتارهای مخرب و اعتراضی را فراهم می‌سازد. در نتیجه، پژوهش حاضر تلاش می‌کند پاسخی علمی به این پرسش ارائه دهد که چرا و چگونه نوجوانان تهرانی در مواجهه با ساختارهای ناعادلانه شهری، به کنش‌های تخریبی روی می‌آورند.

سؤالات پژوهش

بر اساس چارچوب نظری تلفیقی شامل نظریه‌های عدالت اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و ناکامی-پرخاشگری، پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. میزان بی‌عدالتی ادراک‌شده در میان نوجوانان ساکن شهر تهران چگونه است؟
۲. سطح بیگانگی اجتماعی در میان نوجوانان تهرانی چه وضعیتی دارد؟
۳. شدت و فراوانی رفتارهای وندالیستی در میان نوجوانان شهر تهران چگونه توزیع شده است؟
۴. چه رابطه‌ای بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و رفتارهای وندالیستی نوجوانان وجود دارد؟
۵. چه رابطه‌ای بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و بیگانگی اجتماعی نوجوانان برقرار است؟
۶. چه رابطه‌ای بین بیگانگی اجتماعی و وندالیسم نوجوانان مشاهده می‌شود؟

۷. آیا بیگانگی اجتماعی نقش میانجی در رابطه بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و رفتارهای وندالیستی ایفا می‌کند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهشگران داخلی و خارجی به بررسی نقش ساختارهای شهری و عوامل اجتماعی-روانی در بروز رفتارهای وندالیستی در میان نوجوانان پرداخته‌اند. افشانی و جواهرچیان (Afshani & Javaherchian, 2020) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی اجتماعی و پرخاشگری نوجوانان در بافت‌های شهری تهران»، نشان دادند که طرد اجتماعی و انزوای نهادی در محلات کم‌برخوردار شهر تهران، با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان رابطه دارد. آنان با تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از دانش‌آموزان مناطق جنوبی تهران دریافتند که بیگانگی اجتماعی، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی پرخاشگری در بستر شهری است.

عبداللهی، زهرا و قاسمی، لیلا (Abdollahi & Ghasemi, 2024) در پژوهشی با عنوان «بیگانگی اجتماعی و تخریب اموال عمومی در میان نوجوانان ایرانی» به بررسی نقش مؤلفه‌های بیگانگی، ادراک نابرابری و ضعف حمایت اجتماعی پرداختند. روش تحقیق از نوع همبستگی بوده و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

آزاد غلامی و همکاران (Azad gholami et al, 2024) در پژوهشی با عنوان «عوامل فردی و خانوادگی وندالیسم در دانش‌آموزان نوجوان با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه (مطالعه موردی: دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۷ ساله)» به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار وندالی در نوجوانان با استفاده از روش آماری رگرسیون چندگانه پرداختند. جامعه آماری شامل ۲۷،۵۱۹ دانش‌آموز پایه اول و دوم متوسطه در ناحیه ۲ رشت و نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که هم عوامل فردی و هم خانوادگی اثر مستقیم بر شدت وندالیسم دارند، اما با کاهش مشکلات روانی و خانوادگی، میزان رفتارهای تخریبی کاهش می‌یابد.

نبوی و همکاران (Nabavi et al, 2011) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایزه» با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، عوامل گوناگون مؤثر بر رفتار وندالیستی مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌بندی شده روی ۳۸۶ دانش‌آموز انجام شد. نتایج نشان دادند که متغیرهای «پایگاه اجتماعی-اقتصادی» و «وضعیت تحصیلی» تأثیر منفی و معناداری بر رفتار وندالیستی داشتند، درحالی‌که متغیرهای «معاشرت با دوستان ناباب»، «تنبیه در مدرسه»، «ناسازگاری والدین» و «ازخودبیگانگی» تأثیر مثبت و معنادار داشتند. تحلیل رگرسیون نشان داد که «ازخودبیگانگی»

و «تنبيه در مدرسه» توانستند ۴۲٪ واریانس گرایش به وندالیسم را تبیین کنند و در حالت عملی، ۳۸٪ تغییرات را چهار متغیر فوق پیش‌بینی کردند.

در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی (مطالعه موردی: در کلانشهر مشهد)» با بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی و روش پیمایشی، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای وندالیستی پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر از افراد دارای سابقه رفتارهای وندالیستی بود که به‌صورت هدفمند از طریق فهرست‌های موجود در شهرداری و اتوبوسرانی مشهد انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مصاحبه‌ای و با پایایی ۷۴ درصد (آلفای کرونباخ) گردآوری شد. یافته‌ها نشان دادند که بین دو گروه وندال و غیروندال، در مؤلفه‌های تعلق شهروندی، نابسامانی خانوادگی و رضایت از خدمات شهری تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس تحلیل رگرسیون، متغیرهای تعلق شهروندی، نابسامانی خانوادگی و کیفیت خدمات شهری بیشترین تأثیر را بر شدت رفتارهای وندالیستی داشتند؛ به‌طوری‌که ۷۱٫۶ درصد از واریانس رفتار وندالیستی توسط این متغیرها تبیین شد.

آزاد غلامی و همکاران (Azad gholami et al., 2024) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان پایه اول و دوم متوسطه در ناحیه ۲ شهر رشت» به بررسی تفاوت‌های مکانی رفتارهای وندالیستی در مدارس پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود که با استفاده از جدول مورگان، نمونه‌ای ۳۷۷ نفری از دانش‌آموزان انتخاب و داده‌ها با بهره‌گیری از آمارهای فضایی مورد تحلیل قرار گرفت. منطقه جغرافیایی مطالعه شامل مدارس ناحیه ۲ شهر رشت بود. نتایج آماره G نشان داد رفتارهایی مانند پاره کردن کتاب و دفتر هم‌کلاسی‌ها، الگوی خوشه‌ای پایین‌تری دارد. همچنین، تحلیل آماره I موران محلی نشان داد که در مدرسه دکتر شریعتی، رفتارهایی مانند چین گل‌ها و پاره کردن نمرات و غیبت‌ها با الگوی LH و LL و در مدرسه امام حسین، رفتارهایی چون شکستن لوازم تحریر هم‌کلاسی‌ها با الگوی HH مشاهده شد. تحلیل نقاط داغ نیز نشان داد که در ۱۱ نوع رفتار وندالیستی، نقاط داغ و سرد در سطوح اطمینان ۹۰، ۹۵ و ۹۹ درصد شکل گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بود که تحلیل فضایی می‌تواند تصویری دقیق از توزیع رفتاری وندالیسم در مدارس ارائه دهد.

در مطالعه‌ای دیگر، به بررسی نقش میانجی بیگانگی اجتماعی در رابطه بین بی‌عدالتی ادراک شده و گرایش به خرابکاری در نوجوانان تهرانی پرداختند. پژوهش آن‌ها که با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) انجام شد، نشان داد که احساس تبعیض اجتماعی از طریق تقویت حس بیگانگی، گرایش به رفتارهای مخرب را در نوجوانان افزایش می‌دهد. یافته‌های آن‌ها بیانگر اهمیت تحلیل روانی-اجتماعی پدیده وندالیسم در بافت شهری است.

در راستای یافته‌های داخلی، احمدی و همکاران ([Ahmadi et al, 2020](#)) در مطالعه‌ای همبستگی بر روی نوجوانان مناطق ۱۰ و ۱۷ تهران، ارتباط میان حس تعلق مکانی و رفتارهای انحرافی را بررسی کردند. آنان دریافتند که کاهش احساس تعلق به محله و مدرسه، رابطه معناداری با افزایش خشونت شهری و خرابکاری دارد؛ به‌ویژه در مناطقی که فضاهای اجتماعی برای حضور معنادار نوجوانان کمتر فراهم شده است.

در ادامه، جلیلی صدرآباد و بهزادی‌فر ([Jalilisadrabad & Behzadfar, 2023](#)) با استفاده از رویکرد ترکیبی در پژوهشی با عنوان «راهبردهای کاهش استرس شهری با تأکید بر نوجوانان»، نشان دادند که طراحی نامناسب فضاهای شهری، کمبود فضاهای فراغت و محرومیت‌های محیطی، باعث افزایش فشار روانی، احساس انزوا و بیگانگی اجتماعی در نوجوانان می‌شود. این عوامل، به‌طور غیرمستقیم بروز رفتارهای تخریبی در فضاهای شهری را تسهیل می‌کنند.

پژوهش‌های بین‌المللی نیز یافته‌های مشابهی را ارائه داده‌اند. برای نمونه، وایت و همکاران ([White et al, 2022](#)) در یک مرور نظام‌مند از مطالعات مرتبط با وندالیسم نوجوانان در بافت‌های شهری، به این نتیجه رسیدند که عوامل نظیر تبعیض فضایی، حذف از سیاست‌گذاری و کمبود فرصت مشارکت، از مهم‌ترین زمینه‌سازهای کنش‌های تخریبی در میان نوجوانان هستند. در همین راستا، شاهی و عبدو تبریزی ([Shahi & Abdoh-Tabrizi, 2020](#)) در تحلیل رفتار نوجوانان شرکت‌کننده در اعتراضات شهری سال ۱۳۹۸، به نقش بیگانگی اجتماعی و ناامیدی ناشی از ساختارهای شهری ناعادلانه در تحریک رفتارهای اعتراضی و تخریبی تأکید داشتند.

همچنین، احمدی و همکاران ([Ahmadi et al, 2020](#)) با بررسی حس تعلق و خشونت شهری در نوجوانان، نشان دادند که شهرهایی که نوجوانان را به‌عنوان «شهروند مؤثر» نمی‌پذیرند، بیش از دیگر شهرها، شاهد بروز کنش‌های پرخاشگرانه، انتقام‌جویانه یا تخریبی در میان نوجوانان هستند. به‌طور کلی، جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که وندالیسم در بافت شهری صرفاً رفتاری انحرافی نیست، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان واکنشی اجتماعی به ساختارهای نابرابر شهری، حذف اجتماعی و نبود بسترهای مشارکت جوانان تحلیل کرد. از این‌رو، تحلیل وندالیسم نیازمند نگاهی چندبعدی با تأکید بر نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری همچون نظریه عدالت فضایی، نظریه بیگانگی مارکس و نظریه شهر بی‌هویت است.

مطالعه کیفی بنیون ([Benyoun, 2020](#)) با عنوان «تحلیل گسست فضایی و کنش‌های اعتراضی نوجوانان در محله‌های حاشیه‌ای تهران» نیز نشان داد که نوجوانان در مواجهه با بی‌عدالتی فضایی، نادیده‌انگاری سیاست‌گذاران و کمبود مشارکت اجتماعی، رفتارهایی چون دیوارنویسی، تخریب اموال عمومی و بی‌نظمی شهری را به‌عنوان شکلی از اعتراض خاموش به کار می‌گیرند. این یافته‌ها، تحلیل جامعه‌شناسی شهری را از سطح نظری به تجربه زیسته نوجوانان پیوند می‌دهد.

وود و گراهام (Wood & Graham, 2022) در پژوهشی با عنوان «جوانان شهری، خشونت ساختاری و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی» به بررسی چگونگی اثرگذاری خشونت ساختاری و نابرابری شهری بر طرد اجتماعی و بیگانگی نوجوانان در مناطق شهری بریتانیا پرداختند. روش تحقیق از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل میدانی بود. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۴۳ نوجوان در نواحی فقیرنشین شهر منچستر جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد نوجوانانی که در معرض تبعیض ساختاری و بی‌عدالتی‌های فضایی بودند، بیشتر احساس طرد، ناکارآمدی و بی‌قدرتی اجتماعی داشتند. این احساسات با رفتارهای اعتراضی مانند خرابکاری و تخریب اموال عمومی همراه بود.

فیشیر و دولین (Fisher & Devlin, 2021) در مطالعه‌ای با عنوان «حکمرانی از طریق وندالیسم: فضاهای عمومی، طرد اجتماعی و کنترل اجتماعی» به بررسی نقش سیاست‌های شهری در تولید احساس طرد در میان نوجوانان پرداختند. روش تحقیق کیفی بوده و داده‌ها از طریق مشاهده مشارکتی و مصاحبه با ۳۰ نوجوان در شهرهای نیویورک و شیکاگو گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد فضاهای عمومی که با محدودیت شدید طراحی شده‌اند، درک نوجوانان از «نادیده‌نگاری ساختاری» را تقویت کرده و تمایل آن‌ها به رفتارهای خرابکارانه را افزایش می‌دهد.

پیکت و ویلکینسون (Pickett & Wilkinson, 2020) در پژوهشی با عنوان «ادراک نوجوانان از بی‌عدالتی، اعتماد به نهادهای آشوب شهری» به بررسی رابطه بین احساس بی‌عدالتی و اعتماد نهادی با رفتارهای تخریبی نوجوانان شهری پرداختند. روش تحقیق از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل ۴۵۰ نوجوان در محله‌های آسیب‌پذیر شهری آمریکا بود. ابزار گردآوری داده، پرسش‌نامه استاندارد ادراک بی‌عدالتی و رفتار انحرافی بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه انجام شد. یافته‌ها نشان داد نوجوانانی که ادراک بالاتری از بی‌عدالتی داشتند و اعتماد پایین‌تری به پلیس و آموزش داشتند، بیشتر تمایل به خرابکاری و نافرمانی شهری داشتند.

پارکر و لین (Parker & Lynn, 2023) در پژوهشی با عنوان «شهرهای شکسته: بیگانگی جوانان و شکست سیاست‌گذاری شهری» به بررسی رابطه بین سیاست‌های ناکارآمد شهری و بروز بیگانگی اجتماعی در میان نوجوانان پرداختند. روش پژوهش، پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل ۳۱۰ نوجوان در مناطق محروم لندن بود. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد تعلق شهری و طرد اجتماعی گردآوری شده و از تحلیل مسیر و مدل‌سازی ساختاری برای تحلیل استفاده شد. نتایج نشان داد که سیاست‌های شهری که به مشارکت نوجوانان بی‌توجه هستند، منجر به افزایش بی‌معنایی، انزوا و رفتارهای مخرب در فضاهای عمومی می‌شوند.

کوپنز و اسپیرز (Kuppens & Spears, 2020) در پژوهشی با عنوان «ادراک بی‌عدالتی گروهی و اعتراض پرخاش‌گرانه: نقش حاشیه‌نشینی شهری» به بررسی تأثیر احساس بی‌عدالتی جمعی بر تمایل به اعتراض خشونت‌بار در میان جوانان شهری پرداختند. پژوهش از نوع آزمایشی بود و جامعه پژوهش

شامل ۱۸۰ نوجوان در شهرهای بروکسل و لیل بود. ابزار پژوهش شامل مقیاس ادراک بی‌عدالتی و مقیاس تمایل به اعتراض خشونت‌آمیز بود. یافته‌ها نشان داد که احساس بی‌عدالتی در بستر حاشیه‌نشینی شهری، احتمال انتخاب روش‌های خشونت‌آمیز برای ابراز نارضایتی را افزایش می‌دهد.

تسیگاننکو و پتروف ([Tsyganenko & Petrov, 2021](#)) در پژوهشی با عنوان «مسئله وندالیسم در میان نوجوانان و راه‌های حل آن» به بررسی ریشه‌ها، انواع و راهکارهای مقابله با وندالیسم نوجوانان پرداختند. روش پژوهش کیفی بوده و هدف آن شناسایی دلایل روان‌شناختی، اجتماعی و خانوادگی گرایش به رفتارهای تخریبی در نوجوانان است. در این مقاله، نویسندگان به تمایز میان وندالیسم ایزاری و غیرایزاری پرداخته و انواع رفتارهای مخرب از قبیل تخریب اموال عمومی، آسیب به سازه‌های مذهبی و تخریب وسایل نقلیه عمومی را دسته‌بندی نمودند. پژوهش نشان داد که بیشترین انگیزه رفتارهای وندالیستی در نوجوانان ناشی از تمایل به خودآثباتی، کمبود توجه از سوی والدین، خشونت پنهان ناشی از فشارهای روانی دوران بلوغ و همچنین فقدان مشارکت در محیط‌های آموزشی و اجتماعی بود. اوج بروز این رفتارها در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی مشاهده شد و در بسیاری از موارد این اقدامات در قالب گروه‌های هم‌سن انجام می‌شد. نویسندگان در بخش راهکارها به تأثیر آموزش‌های اجتماعی، تقویت مشارکت نوجوانان در ساخت محیط‌های شهری، ایجاد فضاهای قانونی برای تخلیه خلاقانه انرژی مانند دیوارهای گرافیتی و نیز تعدیل تنبیه‌های خشن اشاره کردند.

جیمو ([Jimoh, 2025](#)) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر نرخ بالای رفتارهای ضداجتماعی در میان جوانان شهر لافیا، ایالت ناساراوا، نیجریه: تحلیلی جرم‌شناسانه» به بررسی علل اصلی بروز رفتارهای ضداجتماعی در میان جوانان ساکن کلان‌شهر لافیا پرداخت. روش پژوهش از نوع پیمایشی بوده و با استفاده از فرمول تارو یامانه، حجم نمونه‌ای برابر با ۲۰۴ نفر از میان جمعیت ۳۷۵ هزار نفری انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه ساختاریافته‌ای بود که روایی آن توسط متخصصان حوزه جرم‌شناسی تأیید و پایایی آن با روش همسانی درونی بررسی شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون در سطح معناداری ۰,۰۵ استفاده شد. نتایج نشان داد که استفاده بیش‌ازحد و ناشناس از شبکه‌های اجتماعی، ساختار خانواده (از جمله بی‌ثباتی خانوادگی، والدین تنها، سبک‌های فرزندپروری ضعیف) و تأثیر همسالان از مهم‌ترین عوامل بروز رفتارهای ضداجتماعی در این منطقه هستند. نویسنده پیشنهاد می‌دهد برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای برای ارتقاء آگاهی جوانان نسبت به خطرات ناشی از مصرف کنترل‌نشده شبکه‌های اجتماعی اجرا شده و همچنین خدمات مشاوره خانوادگی قبل و بعد از طلاق برای ارتقاء پویایی سالم خانواده توسعه یابد.

فهینتولا، سینابیو و سامایلا ([Fehintola et al, 2025](#)) در پژوهشی با عنوان «سه‌گانه تأثیرگذار: فشار همسالان، عوامل اجتماعی و جنسیت به‌عنوان تعیین‌کننده‌های رفتارهای بزهکارانه در میان نوجوانان مدرسه‌رو در ایبادان، نیجریه» به بررسی عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر رفتارهای

بزهکارانه نوجوانان پرداختند. این مطالعه با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی و با مشارکت ۳۰۰ نوجوان بین ۹ تا ۲۱ سال (میانگین سنی ۱۵,۲ سال) که به‌صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از مدارس مختلف در ایالت اویو انتخاب شدند، انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه‌ای با مقیاس‌های استاندارد در زمینه فشار همسالان، عوامل اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه بود. نتایج تحلیل با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که فشار همسالان بیشترین همبستگی را با رفتارهای بزهکارانه نوجوانان داشت ($r = .650^{**}$)، پس از آن عوامل اجتماعی ($r = .575^{**}$) و در نهایت تفاوت‌های جنسیتی ($r = .298^{**}$) پژوهشگران پیشنهاد کردند که والدین با فرزندان خود ارتباط مؤثر و باز برقرار کنند و نظارت مستمری بر رفتارهای اجتماعی آن‌ها داشته باشند تا از بروز رفتارهای بزهکارانه جلوگیری شود.

تسیگانکو و پتروف ([Tsyganenko & Petrov, 2021](#)) در پژوهشی با عنوان «مشکل وندالیسم در میان نوجوانان و راهکارهای مقابله با آن» به بررسی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی عوامل وندالیسم در نوجوانان پرداختند. روش تحقیق توصیفی بوده و اطلاعات از طریق منابع ثانویه تحلیل شدند. یافته‌ها حاکی از نقش پررنگ بیگانگی اجتماعی، فشار همسالان و ضعف کنترل والدین در گسترش رفتارهای تخریب‌گرانه بود.

جیمو ([Jimoh, 2025](#)) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر نرخ بالای رفتارهای ضداجتماعی در میان جوانان شهر لافیا، نیجریه» به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی، ساختار خانواده و ادراک تبعیض پرداخت. یافته‌ها نشان دادند که ادراک بی‌عدالتی اجتماعی نقش پیش‌بینی‌کننده مهمی در بروز رفتارهای ضداجتماعی دارد.

فهینتولا، ویکتور و همکاران ([Fehintola et al, 2025](#)) در پژوهشی با عنوان «مثلث تأثیر: فشار همسالان، عوامل اجتماعی و جنسیت به‌عنوان تعیین‌کنندگان رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان مدرسه‌ای در ایبادان» به بررسی همبستگی بین فشار گروهی، عوامل اجتماعی و جنسیت با رفتارهای ضداجتماعی پرداختند. یافته‌ها نشان داد فشار همسالان و محرومیت اجتماعی اثر مستقیمی بر وندالیسم دارد.

موگاورو ([Mogavero, 2025](#)) در پژوهشی با عنوان «درک شناخت نوجوانان و تصمیم‌گیری - انحراف از نظام عدالت کیفری» به تحلیل ظرفیت شناختی نوجوانان و دلایل مشارکت آنان در رفتارهای پرخطر پرداخت. این پژوهش نشان داد فقدان حمایت اجتماعی و درک نابرابری از سوی نوجوانان منجر به احساس بیگانگی و رفتارهای وندال‌گونه می‌شود.

آماد و نجیب ([Ahmad & Najeeb, 2024](#)) در مقاله‌ای با عنوان «بی‌عدالتی اجتماعی و گرایش به خشونت در میان دانش‌آموزان دبیرستانی پاکستان» با استفاده از تحلیل رگرسیون به بررسی نقش بی‌عدالتی در گرایش به وندالیسم پرداختند. نتایج حاکی از آن است که بی‌عدالتی ادراک‌شده تأثیر معناداری بر رفتارهای مخرب و تخریبی دارد.

آکرمن ([Ackerman, 2023](#)) در پژوهشی با عنوان «وندالیسم و روان‌شناسی بیگانگی اجتماعی در محیط‌های شهری» از روش پیمایشی در میان نوجوانان شهر نیویورک استفاده کرده است. یافته‌ها نشان دادند که بی‌عدالتی ساختاری و احساس طردشدگی اجتماعی از مهم‌ترین محرک‌های وندالیسم هستند. لاندرو ([Landreau, 2023](#)) در مطالعه‌ای با عنوان «وندالیسم نوجوانان: بررسی نقش ادراک تبعیض اجتماعی و مشارکت اجتماعی» به بررسی دوگانگی مشارکت مدنی و طرد اجتماعی پرداخت. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه در میان ۱۸۰ نوجوان تحلیل شدند.

جمع‌بندی تحقیقات پیشین

مرور مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که رفتارهای وندالیستی در میان نوجوانان شهری، پدیده‌ای پیچیده و چندعلتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در ابعاد مختلف اجتماعی، روان‌شناختی و فضایی جست‌وجو کرد. در سطح داخلی، پژوهش‌هایی مانند افشانی و جواهرچیان ([Afshani & Javaherchian, 2020](#))، عبداللهی و قاسمی ([Abdollahi & Ghasemi, 2024](#))، بخارایی و شربتیان (۱۴۰۱) و آزادغلامی و همکاران (۱۴۰۲) به نقش عواملی همچون بیگانگی اجتماعی، ساختار خانواده، احساس تبعیض، کیفیت خدمات شهری و گسست فضایی در بروز رفتارهای مخرب پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً با بهره‌گیری از روش‌های همبستگی، رگرسیون و مدل‌یابی معادلات ساختاری، رابطه‌ی معناداری میان این متغیرها و رفتار وندالیستی در بافت‌های شهری ایران به‌ویژه تهران و مشهد را نشان داده‌اند.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌هایی مانند وود و گراهام ([Wood & Graham, 2022](#))، فیشر و دولین ([Fisher & Devlin, 2021](#))، پارکر و لین ([Parker & Lynn, 2023](#)) و کوپنز و اسپیرز ([Kuppens & Spears, 2020](#)) به بررسی نقش نابرابری فضایی، سیاست‌گذاری ناکارآمد شهری، خشونت ساختاری و حذف نوجوانان از فرایندهای شهری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانان در مواجهه با بی‌عدالتی فضایی، احساس طرد اجتماعی، کمبود فضاهای عمومی و عدم مشارکت اجتماعی، بیشتر به رفتارهای اعتراضی و تخریبی روی می‌آورند. برخی پژوهش‌ها همچون جیمو ([Jimoh, 2025](#)) و آکرمن ([Ackerman, 2023](#)) نیز به تأثیرات مستقیم ساختار خانواده، فشار همسالان و رسانه‌های اجتماعی در تشدید رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان اشاره داشته‌اند.

نکته مشترک در اکثر این تحقیقات، تأکید بر نقش میانجی‌گرانه بیگانگی اجتماعی و ادراک بی‌عدالتی در شکل‌گیری رفتارهای وندالیستی است؛ به‌ویژه در بافت‌های شهری که نوجوانان در آن با حذف فضایی، فقر فرصت و نبود هویت اجتماعی مواجه‌اند. از سوی دیگر، مطالعات اندکی در قالب مدل مفهومی منسجم به تحلیل علی این سه‌گانه (بی‌عدالتی ادراک‌شده، بیگانگی اجتماعی و وندالیسم) پرداخته‌اند و اغلب بر روابط دوتایی تمرکز داشته‌اند.

در نتیجه، خلأ اصلی در این حوزه، نبود مدل نظری ساختارمند با رویکرد جامعه‌شناسی شهری برای تحلیل هم‌زمان این متغیرها است. همچنین، ضرورت دارد این تحلیل‌ها در بستر فرهنگی-اجتماعی خاص مانند تهران صورت گیرد تا بتوان سیاست‌های پیشگیرانه و برنامه‌ریزی‌های آموزشی مؤثر را طراحی نمود.

مبانی نظری

رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان در بستر کلان‌شهرهای معاصر، صرفاً واکنشی فردی یا انحرافی نیست، بلکه باید آن را در پیوند با ساختارهای اجتماعی، فضایی و فرهنگی شهر تحلیل کرد. در این میان، نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری ابزارهایی اساسی برای فهم پدیده‌هایی مانند وندالیسم به‌شمار می‌آیند؛ به‌ویژه در شرایطی که نوجوانان در معرض بی‌عدالتی نهادی، طرد اجتماعی و انزوای فضایی قرار می‌گیرند. نظریه مبادله جرج هومانس بر این اصل استوار است که کنشگران اجتماعی در تعاملات خود انتظار توزیع منصفانه پاداش‌ها و هزینه‌ها را دارند. هنگامی که نوجوانان شهری احساس کنند در تعاملات نهادی، توزیع خدمات شهری یا فرصت‌های پیشرفت اجتماعی با تبعیض مواجه‌اند، این تجربه به شکل بی‌عدالتی ادراک‌شده بروز می‌کند (Saadati, 2020). چنین احساسی، به‌ویژه در بافت نابرابر کلان‌شهرها، زمینه‌ساز فاصله‌گیری روانی و اجتماعی از جامعه است. در ادامه، نظریه بیگانگی اجتماعی به‌عنوان یکی از چارچوب‌های محوری در تبیین کنش‌های اعتراضی نوجوانان مطرح می‌شود. از دیدگاه مارکس، بیگانگی زمانی رخ می‌دهد که فرد نتواند خود را در فرایندهای اجتماعی بازتاب دهد و احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی کند. این مفهوم در آثار زیمل و ملوین سیمن گسترش یافت و در قالب احساس انزوا، بی‌معنایی، طرد اجتماعی و بی‌قدرتی تعریف شد. در کلان‌شهری مانند تهران، سرعت تغییرات، تراکم جمعیتی، بی‌نظمی فضایی و ضعف هویت جمعی می‌تواند احساس بیگانگی اجتماعی را در نوجوانان تشدید کند (Abbasi Sultani & Elmi, 2019). نوجوانی که خود را در ساختار شهری نادیده‌گرفته می‌بیند، ممکن است با کنش‌هایی مانند تخریب اموال عمومی، زبان نمادینی از اعتراض و مقاومت را شکل دهد. از منظر نظریه عدالت فضایی (لوفور، هاروی)، شهر عرصه‌ای نابرابر از توزیع فضا، امکانات و قدرت است. در این دیدگاه، فضا نه فقط کالبدی فیزیکی، بلکه بستری اجتماعی و سیاسی برای تحقق یا سلب عدالت است. نوجوانانی که در محلات کم‌برخوردار با خدمات ضعیف، مدارس ناکارآمد و نبود فضاهای فرهنگی زندگی می‌کنند، به‌تدریج با طرد فضایی مواجه شده و حس بی‌هویتی شهری در آنان تقویت می‌شود. در نتیجه، احساس بی‌عدالتی فضایی، بستر پیدایش بیگانگی و در نهایت رفتارهای اعتراضی نظیر وندالیسم را فراهم می‌کند. در همین راستا، نظریه‌ی آنومی (بی‌هنجاری اجتماعی) دورکیم نیز چرایی رفتارهای پرخطر را در شرایط فروپاشی انسجام اجتماعی توضیح می‌دهد. دورکیم معتقد بود که هنگامی که نهادهای تنظیم‌کننده‌ی رفتار (خانواده، مدرسه، دین) دچار ضعف شوند، فرد با خلأ

هنجاری روبه‌رو می‌شود و احتمال بروز رفتارهای انحرافی افزایش می‌یابد (Saadati, 2020). در کلان‌شهرهایی چون تهران که شبکه‌های حمایت اجتماعی فرسوده شده‌اند، این وضعیت زمینه‌ی افزایش پرخاشگری و تخریب را فراهم می‌سازد. افزون بر این، مدل ناکامی-پرخاشگری دالارد و همکاران (Dollard et al, 1939) نیز بخش دیگری از چرایی رفتارهای وندالیستی را روشن می‌سازد. مطابق این مدل، ناکامی‌های مکرر در دستیابی به اهداف مشروع اجتماعی، موجب خشم و پرخاشگری می‌شود. در محیط‌های شهری که نوجوانان با تبعیض، فقر، بی‌اعتنایی نهادی یا فقدان فرصت‌های رشد مواجه‌اند، انرژی روانی حاصل از ناکامی به‌جای مشارکت اجتماعی، به‌سمت کنش‌های پرخاشگرانه و نمادین همچون وندالیسم هدایت می‌شود (Ahmadi et al, 2020). در چنین بافتی، وندالیسم می‌تواند نوعی اعتراض خاموش به ساختارهای ناعادلانه تلقی شود. از سوی دیگر، پژوهش‌های فرهنگ جغرافیایی (مانند «استفانو بلوخ»، ۲۰۲۴) نشان داده‌اند که کنش‌هایی چون گرافیتی و تخریب شهری، گاه بیان فرهنگی و هویتی هستند. نوجوانان از طریق این اعمال، تلاش می‌کنند فضاهای حذف‌شده را بازتعریف کرده و هویت خود را در شهر بازنمایی کنند. در این معنا، وندالیسم تنها کنشی ضداجتماعی نیست، بلکه پاسخی فرهنگی به محرومیت نمادین و مادی از فضاهای شهری است.

چارچوب نظری این پژوهش بر مجموعه‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری استوار است که به تبیین رابطه میان ساختارهای ناعادلانه شهری و شکل‌گیری رفتارهای ضداجتماعی در میان نوجوانان می‌پردازند. در این میان، هر فرضیه از دل مفاهیم و روابط بنیادی مطرح‌شده در این نظریه‌ها استخراج شده است. نظریه‌های مبادله‌ی اجتماعی، بیگانگی، عدالت فضایی، آنومی و ناکامی-پرخاشگری، در تعامل با یکدیگر، مسیر شکل‌گیری فرضیات پژوهش را ترسیم کرده‌اند. نخستین فرضیه که به ارتباط میان بی‌عدالتی ادراک‌شده و رفتارهای وندالیستی می‌پردازد، از نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی جرج هومانس سرچشمه گرفته است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها انتظار دارند در تعاملات اجتماعی خود پاداش و هزینه‌ها به‌طور منصفانه توزیع شود. هنگامی که نوجوانان شهری احساس می‌کنند در برخورد با نهادهای شهری، توزیع خدمات یا فرصت‌های اجتماعی با تبعیض روبه‌رو هستند، احساس بی‌عدالتی در آنان شکل می‌گیرد. از منظر هومانس، این ادراک نابرابری می‌تواند به کنش اعتراضی یا پرخاشگرانه بینجامد؛ بنابراین، فرضیه‌ی نخست از دل این منطق نظری استخراج شده که بی‌عدالتی ادراک‌شده به‌طور مستقیم با افزایش رفتارهای تخریبی و نمادین مانند وندالیسم مرتبط است. فرضیه دوم که به رابطه بی‌عدالتی ادراک‌شده و بیگانگی اجتماعی اشاره دارد، از نظریه‌های بیگانگی مارکس، زیمل و ملوین سیمن گرفته شده است. مارکس بیگانگی را نتیجه‌ی جداسدن فرد از فرایندهای تولید و کنترل اجتماعی می‌دانست و زیمل آن را پیامد زندگی در کلان‌شهرهای مدرن توصیف می‌کرد که در آن روابط انسانی به‌شدت عقلانی و ابزاری می‌شوند. در چنین بستری، تجربه بی‌عدالتی می‌تواند احساس طرد، انزوا و بی‌معنایی را تشدید کند؛ بنابراین، فرضیه‌ی دوم از این ایده برمی‌خیزد که ادراک نابرابری اجتماعی در شهر، بستر

شکل‌گیری بیگانگی روانی-اجتماعی نوجوانان است. فرضیه‌ی سوم که ارتباط میان بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی را بررسی می‌کند، ریشه در نظریه‌ی آنومی امیل دورکیم و مدل ناکامی-پرخاشگری دالارد دارد. دورکیم باور داشت که ضعف انسجام اجتماعی و فروپاشی هنجارها، افراد را در وضعیت سردرگمی و بی‌معنایی قرار می‌دهد و آنان را به‌سوی رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد. از سوی دیگر، مدل ناکامی-پرخاشگری توضیح می‌دهد که تجربه‌ی ناکامی‌های مکرر در دستیابی به اهداف اجتماعی، موجب بروز خشم و پرخاشگری می‌شود. این دو دیدگاه در کنار هم نشان می‌دهند که نوجوانان بیگانه شده، برای ابراز نارضایتی و بازپس‌گیری معنا و توجه، به رفتارهای نمادین و پرخاشگرانه مانند تخریب اموال عمومی روی می‌آورند.

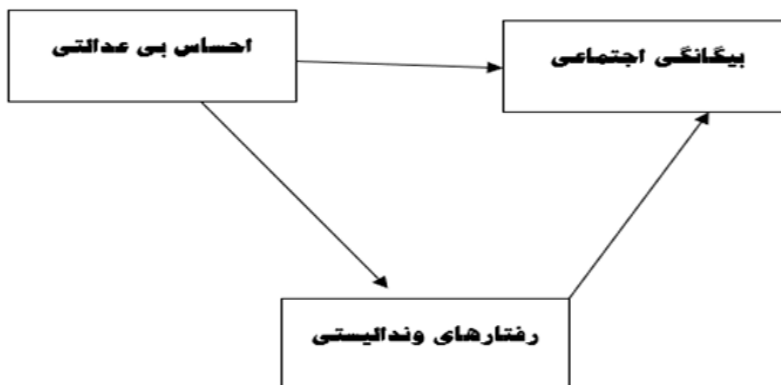
در نهایت، فرضیه چهارم که بیان می‌کند بیگانگی اجتماعی نقش میانجی بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و وندالیسم را دارد، بر نظریه‌ی عدالت فضایی هنری لوفور و دیوید هاروی استوار است. از نظر آنان، نابرابری فضایی و طبقاتی در شهر موجب احساس طرد از فضا و حذف از منابع قدرت می‌شود. در چنین شرایطی، نوجوانان ابتدا بی‌عدالتی را در قالب تبعیض و نابرابری فضایی تجربه می‌کنند، سپس این تجربه به احساس بیگانگی و طرد اجتماعی منجر می‌شود و در نهایت، وندالیسم به‌عنوان شکلی از اعتراض خاموش در برابر ساختار ناعادلانه بروز می‌یابد. بنابراین، تمامی فرضیات پژوهش به‌صورت درون‌زا از دل نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری استخراج شده‌اند و در کنار هم مدلی را ترسیم می‌کنند که در آن بی‌عدالتی ادراک‌شده با واسطه بیگانگی اجتماعی، به بروز رفتارهای وندالیستی در نوجوانان شهری منجر می‌شود. این مدل نظری، پیوندی میان سطح کلان ساختارهای شهری (عدالت فضایی و نهادی) و سطح خرد کنش‌های فردی (وندالیسم و اعتراض نمادین) برقرار می‌سازد و تصویری جامع از تعامل میان شهر، نابرابری و رفتار اجتماعی نوجوانان ارائه می‌دهد.

در مجموع، می‌توان چارچوب نظری این پژوهش را بر محور سه متغیر اصلی زیر بنا نهاد:

- متغیر مستقل: بی‌عدالتی ادراک‌شده (در سطوح فضایی، نهادی و اجتماعی)
- متغیر میانجی: بیگانگی اجتماعی (در قالب بی‌قدرتی، طرد، انزوا و بی‌معنایی)
- متغیر وابسته: رفتار وندالیستی نوجوانان

در این فرآیند، متغیرهایی چون تعلق مکانی، کیفیت محیط شهری، مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی نقش تعدیل‌کننده دارند. چنین چارچوبی با اتکا بر نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری، تصویری چندلایه از تعامل ساختار و کنش در بستر تهران ترسیم کرده و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی جهت کاهش رفتارهای وندالیستی فراهم سازد.

بر اساس چارچوب نظری ارائه‌شده، مدل مفهومی پژوهش به‌صورت زیر طراحی می‌شود:



۳- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با هدف بررسی نقش بی‌عدالتی ادراک‌شده در تشدید رفتارهای وندالیستی نوجوانان شهری تهران، با تأکید بر نقش میانجی‌گری متغیر بیگانگی اجتماعی طراحی و اجرا شده است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش اجرای آن، پیمایشی از نوع میدانی است که از ابزار پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است. چارچوب نظری پژوهش بر پایه نظریه‌های کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی شهری استوار است. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه بیگانگی اجتماعی کارل مارکس و زیمل که بر جدافتادگی فرد از ساختارهای اجتماعی تأکید دارند، نظریه بی‌عدالتی اجتماعی هومانس (۱۹۷۴) که چگونگی شکل‌گیری احساس نابرابری و واکنش‌های روانی ناشی از آن را تبیین می‌کند و نظریه خرده‌فرهنگ وندالیسم آلبرت کوهن که رفتارهای تخریبی را در قالب کنش‌های نمادین خرده‌فرهنگ‌های طردشده تحلیل می‌کند اشاره کرد. این چارچوب‌ها به درک سازوکارهای علی میان احساس بی‌عدالتی، تجربه بیگانگی و بروز رفتارهای پرخاشگرانه در فضاهای عمومی کمک می‌کنند. مدل تحلیلی پژوهش با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) تدوین شده و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و smart pls نسخه ۲۴ انجام گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله ساکن شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است که بر اساس آمار رسمی آموزش و پرورش، تعداد کل آن‌ها برابر با ۱،۱۹۸،۷۳۹ نفر است برای تعیین حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن جامعه ۱،۱۹۸،۷۳۹ نفری دانش‌آموزان، حجم نمونه ۳۵۰ نفر به‌دست آمد که با توجه به محدودیت‌های اجرایی، به‌عنوان حجم نهایی انتخاب در مرحله نخست، ۵ منطقه شهری تهران (مناطق ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۸، و ۲۰) به‌عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب شدند. در مرحله بعد، مدارس دولتی و غیردولتی در این مناطق به‌صورت شد... به‌منظور طراحی نمونه‌ای نماینده، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده

شد. تصادفی انتخاب شدند و در نهایت، دانش‌آموزان بر اساس معیارهای ورود به مطالعه، گزینش شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل سن بین ۱۵ تا ۱۸ سال، سکونت حداقل یک‌ساله در تهران و نداشتن اختلالات روانی تشخیص داده شده یا سوابق کیفری بود. ترکیب نمونه از نظر طبقه اجتماعی، نوع مدرسه (دولتی/غیردولتی)، سطح تحصیلی و منطقه سکونت متنوع در نظر گرفته شد تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از سه پرسش‌نامه استاندارد و محقق‌ساخته استفاده شد، نخست، پرسش‌نامه بی‌عدالتی ادراک‌شده شامل ۸ گویه در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای است که بر اساس نظریه بی‌عدالتی اجتماعی هومانس (۱۹۷۴) طراحی شده و میزان احساس نابرابری، تبعیض و ناعادلانه بودن روابط اجتماعی را می‌سنجد. این پرسش‌نامه سه بعد اصلی نابرابری در برخورد اجتماعی، نابرابری در فرصت‌های شهری و تبعیض در دسترسی به خدمات عمومی را در بر می‌گیرد. بُعد نابرابری در برخورد اجتماعی با گویه‌هایی درباره‌ی احساس تبعیض در رفتار نهادهای رسمی، مدارس و گروه‌های مرجع سنجیده شد. بُعد فرصت‌های شهری میزان احساس فرد نسبت به توزیع ناعادلانه‌ی امکانات و فرصت‌های پیشرفت در محله‌های مختلف را ارزیابی می‌کند و بُعد دسترسی به خدمات عمومی نیز به ارزیابی ادراک پاسخ‌گویان از تبعیض در بهره‌مندی از خدمات شهری مانند حمل‌ونقل، امکانات فرهنگی و رفاهی اختصاص دارد. امتیاز بالاتر در این مقیاس بیانگر سطح بیشتر بی‌عدالتی ادراک‌شده است.

دوم، پرسش‌نامه بیگانگی اجتماعی بر پایه مقیاس بازنگری شده دین و گلد طراحی شده و شامل ۱۲ گویه در سه مؤلفه: ازخودیگانگی، احساس بی‌قدرتی و انزوای اجتماعی است... این ابزار میزان جدایی روانی و اجتماعی نوجوانان از نهادهای جامعه‌پذیر مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان را می‌سنجد. بُعد ازخودیگانگی با گویه‌هایی درباره احساس بی‌معنایی، بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اجتماعی و ناتوانی در درک هدف فعالیت‌های روزمره ارزیابی می‌شود. بُعد احساس بی‌قدرتی به برداشت فرد از ناتوانی در تأثیرگذاری بر تصمیمات اجتماعی، فقدان کنترل بر سرنوشت خویش و بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی می‌پردازد و بُعد انزوای اجتماعی میزان ارتباط نوجوان با خانواده، دوستان و شبکه‌های اجتماعی پیرامونی را می‌سنجد. پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده‌اند و نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتری از بیگانگی اجتماعی است.

وندالیسم نیز نوعی رفتار ضداجتماعی و تخریبی تعریف شده است که با آسیب زدن به اموال عمومی، فضاهای شهری و نمادهای جمعی همراه است. این رفتار معمولاً شکلی از ابراز ناراضیتی، اعتراض خاموش یا تلاش برای جلب توجه در بسترهای نابرابر اجتماعی است (Norouzi & Gharani Arani, 2025). رفتارهای وندالیستی در این تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای شامل ۱۲ گویه سنجیده شده‌اند. مؤلفه‌های سنجش شامل تخریب اموال عمومی (مانند شکستن شیشه یا وسایل

شهری)، دیوارنویسی و گرافیتی بدون مجوز، آسیب به فضاهای سبز و شهری و خرابکاری نمادین در محیط مدرسه یا محله بوده و مقیاس پاسخ‌دهی نیز لیکرت ۵ درجه‌ای (از هرگز تا همیشه) بوده است. روایی صوری و محتوایی ابزارها با نظر ۵ استاد دانشگاه در حوزه جامعه‌شناسی شهری و علوم رفتاری بررسی و تأیید شد. پایایی ابزارها نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای هر مقیاس به‌دست آمد: بی‌عدالتی ادراک‌شده: $\alpha = 0.82$ ، بیگانگی اجتماعی: $\alpha = 0.79$ ، رفتار وندالیستی: $\alpha = 0.85$. این مقادیر نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزارها برای استفاده در پژوهش‌های میدانی شهری هستند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد ویژگی‌های دموگرافیک نمونه پژوهش

Table 1. Frequency and percentage distribution of demographic characteristics of the research sample

متغیر	فراوانی	درصد	
جنسیت	پسر	179	51.1
دختر	171	48.9	
کل	350	100.0	
گروه سنی	14.00	92	26.3
15.00	73	20.9	
16.00	101	28.9	
17.00	84	24.0	
کل	350	100.0	
پایه تحصیلی	اول متوسطه	85	24.3
دوم متوسطه	98	28.0	
سوم متوسطه	83	23.7	
چهارم متوسطه	84	24.0	
کل	350	100.0	
تحصیلات مادر	ابتدایی	63	18.0
راهنمایی	58	16.6	
متوسطه	58	16.6	
دیپلم	62	17.7	
فوق دیپلم	62	17.7	
لیسانس	47	13.4	
کل	350	100.0	
تحصیلات پدر	ابتدایی	66	18.9

14.3	50	راهنمایی
16.9	59	دیپلم
15.1	53	فوق دیپلم
14.6	51	لیسانس
20.3	71	فوق لیسانس
100.0	350	کل

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش نشان می‌دهد که توزیع جنسیتی تقریباً متعادل است و مردان اندکی بیشتر از زنان سهم دارند (۵۲,۱ درصد در مقابل ۴۷,۹ درصد). در خصوص گروه سنی، نمونه حاضر از پراکندگی نسبتاً یکنواختی برخوردار است و هیچ گروه سنی غالبی دیده نمی‌شود؛ گروه‌های ۱۸-۲۴ سال و ۶۵ سال و بالاتر نیز هر کدام ۱۷,۴ درصد سهم دارند. از نظر وضعیت تأهل، گروه متأهل بیشترین فراوانی را با ۲۹,۴ درصد دارد اما سه گزینه دیگر (مجرد، مطلقه و بیوه) نیز سهم قابل توجهی دارند که نشان‌دهنده تنوع در وضعیت تأهل جامعه هدف است. در نهایت، سطح تحصیلات نشان می‌دهد که بیشترین نسبت شرکت‌کنندگان دارای مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر (۲۳,۴ درصد) و پس از آن فوق‌دیپلم (۲۰,۳ درصد) هستند که حاکی از برخورداری نمونه از سطح تحصیلات نسبتاً بالاست. این توزیع‌ها بیانگر آن است که نمونه پژوهش از نظر ویژگی‌های دموگرافیک، تنوع مناسبی داشته و قابلیت تعمیم بیشتری به کل جامعه شهروندان تهرانی را فراهم می‌آورد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه احساس بی‌عدالتی، رفتارهای وندالیستی و احساس بیگانگی در

مناطق مختلف شهری تهران

Table 2. Results of one-way analysis of variance to compare feelings of injustice, vandalism, and feelings of alienation in different urban areas of Tehran

سطح معنی‌داری	خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۰۰۰	.06291	.77051	2.0600	150	بالای شهر	احساس بی‌عدالتی
	.09008	1.10320	2.3800	150	مرکز شهر	
	.10465	.73999	4.0425	50	پایین شهر	
	.06047	1.13130	2.4804	350	کل	
۰/۰۰۰	.06821	.83535	2.0133	150	بالای شهر	رفتارهای وندالیستی
	.08960	1.09740	2.4800	150	مرکز شهر	
	.14610	1.03306	3.9578	50	پایین شهر	
	.06252	1.16973	2.4911	350	کل	
۰/۰۰۰	.06896	.84462	2.1067	150	بالای شهر	احساس بیگانگی

	مرکز شهر	150	2.5267	1.12146	.09157
	پایین شهر	50	4.5286	.63183	.08935
	کل	350	2.6327	1.23946	.06625

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-Way ANOVA) نشان داد که بین مناطق مختلف شهری تهران (بالاشهر، مرکز شهر و پایین‌شهر) در سه متغیر اصلی پژوهش شامل احساس بی‌عدالتی، رفتارهای وندالیستی و احساس بیگانگی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} = 0.000$). به‌طور مشخص، مقایسه میانگین‌ها بیانگر آن است که میانگین احساس بی‌عدالتی در مناطق پایین‌شهر (4.04) به‌طور معناداری بیشتر از مرکز شهر (2.38) و بالاشهر (2.06) است. این یافته بیانگر آن است که ساکنان مناطق کم‌برخوردار شهری ادراک بالاتری از تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دارند. در متغیر رفتارهای وندالیستی نیز تفاوت معناداری مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که میانگین رفتارهای تخریبی در پایین‌شهر (3.95) بالاتر از مرکز شهر (2.48) و بالاشهر (2.01) است. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش احساس بی‌عدالتی و کاهش سرمایه اجتماعی در مناطق محروم، احتمال بروز رفتارهای وندالیستی و پرخاشگرانه در فضاهای عمومی بیشتر می‌شود. همچنین در متغیر احساس بیگانگی اجتماعی نیز تفاوت معناداری بین مناطق وجود دارد. میانگین بیگانگی در پایین‌شهر (4.52) به‌طور معنی‌داری از مرکز شهر (2.52) و بالاشهر (2.10) بالاتر است. این یافته حاکی از آن است که نوجوانان ساکن در مناطق محروم شهری، احساس طردشدگی، انزوا و ناتوانی بیشتری نسبت به نهادهای اجتماعی دارند. به‌طور کلی، نتایج تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت بین مناطق سه‌گانه‌ی شهری از نظر هر سه متغیر بی‌عدالتی ادراک‌شده، بیگانگی اجتماعی و رفتار وندالیستی از نظر آماری معنادار است ($p < 0.001$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت مکانی و شرایط اجتماعی-اقتصادی مناطق شهری تهران تأثیر مستقیمی بر میزان احساس بی‌عدالتی، بیگانگی و بروز رفتارهای وندالیستی نوجوانان دارد.

جدول شماره ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش

Table 3: Correlation matrix between the main research variables

احساس بی‌عدالتی	احساس بی‌عدالتی	احساس بی‌عدالتی	احساس بی‌عدالتی	احساس بی‌عدالتی
احساس بی‌عدالتی	ضریب همبستگی	1	.653**	.585**
	سطح معنی‌داری		.000	.000
	تعداد	350	350	350
رفتارهای وندالیستی	ضریب همبستگی	.653**	1	.701**
	سطح معنی‌داری	.000		.000
	تعداد	350	350	350
بیگانگی	ضریب همبستگی	.585**	.701**	1

	سطح معنی‌داری	.000	.000
تعداد	350	350	350

یافته‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که بین احساس بی‌عدالتی و رفتارهای وندالیستی نوجوانان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ($r=0.653$, $p<0.001$) به بیان دیگر، هر چه نوجوانان احساس بی‌عدالتی بیشتری را تجربه کنند، احتمال بروز رفتارهای تخریبی و وندالیستی در فضاهای شهری نیز افزایش می‌یابد. این یافته با مبانی نظری هومانس درباره واکنش روانی و اجتماعی افراد در برابر نابرابری هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد بی‌عدالتی ادراک‌شده یک محرک اساسی برای رفتارهای پرخاشگرانه در محیط شهری است. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین احساس بی‌عدالتی و بیگانگی اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. ($r=0.585$, $p<0.001$) این امر بیانگر آن است که تجربه بی‌عدالتی در سطح فردی و شهری می‌تواند زمینه‌ساز گسترش احساس از خود بیگانگی، بی‌قدرتی و انزوای اجتماعی نوجوانان شود. در واقع، زمانی که نوجوانان دسترسی برابر به فرصت‌ها و خدمات شهری را ناعادلانه تلقی می‌کنند، پیوندشان با نهادهای جامعه‌پذیر تضعیف شده و احساس بیگانگی تشدید می‌گردد. از سوی دیگر، رابطه بین بیگانگی اجتماعی و رفتار وندالیستی بسیار قوی‌تر و معنادارتر گزارش شده است. ($r=0.701$, $p<0.001$) این یافته نشان می‌دهد که بیگانگی اجتماعی نقش مهمی در تقویت رفتارهای تخریبی نوجوانان دارد و می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی، بخشی از تأثیر احساس بی‌عدالتی بر وندالیسم را توضیح دهد. نوجوانان بیگانه از ساختارهای اجتماعی و نهادی، با احساس بی‌قدرتی و طردشدگی بیشتری مواجه‌اند و به همین دلیل، وندالیسم برای آنان به‌مثابه ابزاری نمادین برای بیان نارضایتی و اعتراض نسبت به وضعیت موجود عمل می‌کند. به‌طور کلی، نتایج این بخش تأیید می‌کند که احساس بی‌عدالتی ادراک‌شده نه‌تنها به‌طور مستقیم با افزایش رفتارهای وندالیستی مرتبط است، بلکه از طریق تقویت احساس بیگانگی اجتماعی نیز به تشدید این رفتارها منجر می‌شود. این الگو دقیقاً با مدل نظری تحقیق هم‌خوان بوده و نشان می‌دهد که در بافت شهری تهران، بی‌عدالتی و بیگانگی دو سازوکار کلیدی در بروز کنش‌های وندالیستی نوجوانان هستند.

جدول شماره ۴: شاخص‌های پایایی و روایی همگرا برای متغیرهای پژوهش

Table 4: Convergent reliability and validity indices for research variables

شاخص ave	پایایی مرکب	پایایی	
۵۴۲۰	0.862	0.828	بیگانگی اجتماعی
۵۶۷۰	0.875	0.839	بی‌عدالتی ادراک‌شده
0.542	0.904	0.878	وندالیسم

مطابق جدول بالا، تمامی متغیرهای پژوهش دارای پایایی قابل قبول هستند، به‌طوری‌که مقدار آلفای کرونباخ برای همه سازه‌ها بالاتر از ۰.۸ است که نشان‌دهنده انسجام درونی مناسب گویه‌هاست.

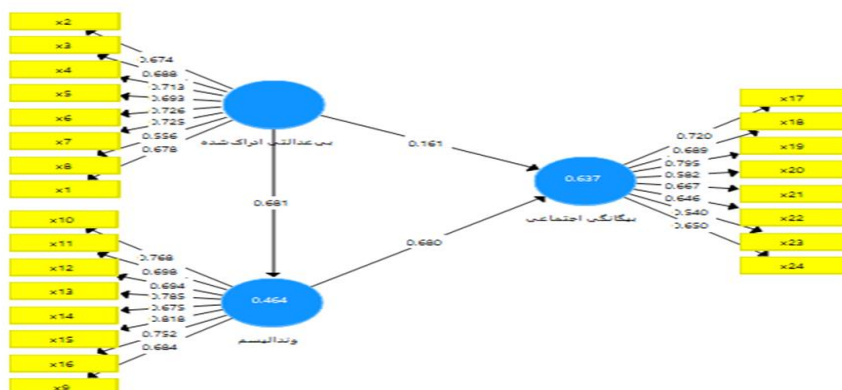
همچنین پایایی مرکب (CR) نیز برای هر سه سازه از حد آستانه ۰,۷ فراتر رفته است و در نتیجه، نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مطلوب مقیاس‌ها است. شاخص میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای دو سازه بیگانگی اجتماعی و بی‌عدالتی ادراک‌شده کمی کمتر از حد معیار رایج ۰,۵ است، اما با توجه به بالا بودن پایایی مرکب، این مقدار همچنان در سطح قابل قبول تلقی می‌شود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار اندازه‌گیری پژوهش از نظر پایایی و روایی همگرا قابل اعتماد و مناسب بوده است.

جدول شماره ۵: ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا

Table 5: Fornell and Larker matrix for examining divergent validity

بیگانگی اجتماعی	بی‌عدالتی ادراک‌شده	وندالیسم	
0.789			بیگانگی اجتماعی
0.624	0.684		بی‌عدالتی ادراک‌شده
0.665	0.681	0.736	وندالیسم

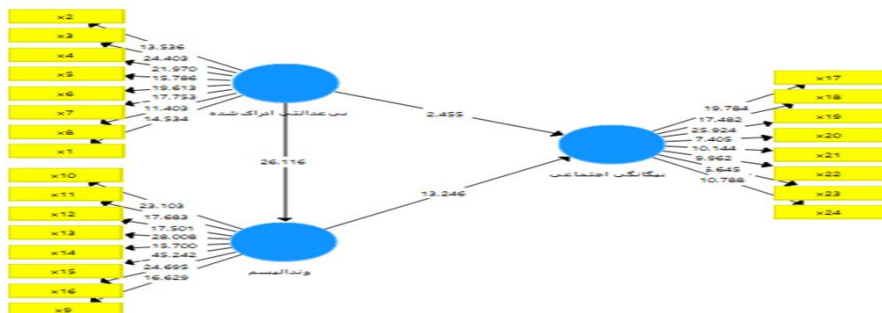
جدول ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا نشان می‌دهد که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای هر سازه (اعداد قطر اصلی جدول) بیشتر از ضرایب همبستگی آن سازه با سایر سازه‌هاست. به عنوان مثال، مقدار ۰,۷۸۹ برای بیگانگی اجتماعی بزرگ‌تر از همبستگی آن با بی‌عدالتی ادراک‌شده (۰,۶۲۴) و وندالیسم (۰,۶۶۵) است. همین الگو برای دو متغیر دیگر نیز برقرار است؛ برای بی‌عدالتی ادراک‌شده، مقدار ۰,۶۸۱ از همبستگی آن با وندالیسم (۰,۶۸۴) کمتر است، اما این مقدار نزدیک است و همچنان در بسیاری منابع با در نظر گرفتن سایر شاخص‌ها قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که روایی واگرای متغیرهای مدل در سطح قابل قبول قرار دارد و هر سازه به‌خوبی از سازه‌های دیگر متمایز شده است.



نمودار (۱) مدل معادلات ساختاری (SEM) برای بررسی نقش بی‌عدالتی ادراک‌شده در وندالیسم و بیگانگی اجتماعی بر اساس ضرایب استاندارد شده

Figure (1) Structural Equation Model (SEM) to examine the role of perceived injustice in vandalism and social alienation based on standardized coefficients

نمودار بالا ساختار مدل معادلات ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد که در آن سه متغیر پنهان اصلی شامل بی‌عدالتی ادراک‌شده، وندالیسم و بیگانگی اجتماعی با استفاده از شاخص‌های مشاهده‌شده (گویه‌ها) مورد سنجش قرار گرفته‌اند. ضرایب مسیر بین متغیرها نشان می‌دهند که بی‌عدالتی ادراک‌شده تأثیر مستقیم و معناداری بر وندالیسم ($\beta = 0.681$) و نیز بر بیگانگی اجتماعی ($\beta = 0.161$) دارد. همچنین، وندالیسم نیز به‌صورت معنادار بر بیگانگی اجتماعی ($\beta = 0.680$) اثرگذار است. واریانس تبیین شده برای سازه وندالیسم برابر با ۰٫۴۶۴ و برای بیگانگی اجتماعی ۰٫۶۳۷ است که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است. ضرایب بار عاملی شاخص‌ها نیز اکثراً بالاتر از ۰٫۶ بوده و دلالت بر روایی اندازه‌گیری مطلوب سازه‌ها دارند. این مدل به‌خوبی فرضیه‌های اصلی پژوهش را تأیید کرده و روابط علی میان سازه‌ها را به‌صورت معنادار تبیین می‌نماید.



نمودار (۲): مدل معادلات ساختاری (SEM) برای بررسی نقش بی‌عدالتی ادراک‌شده در وندالیسم و بیگانگی اجتماعی بر اساس ضرایب معناداری

Figure (2): Structural Equation Model (SEM) to examine the role of perceived injustice in vandalism and social alienation based on significant coefficients

نمودار بالا ساختار مدل معادلات ساختاری را همراه با مقادیر آماره t نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است، تمامی روابط بین متغیرهای پنهان معنادار هستند، زیرا مقادیر t آن‌ها بالاتر از ۱٫۹۶ بوده و در سطح اطمینان ۹۵٪ معناداری را تأیید می‌کنند. مسیر بی‌عدالتی ادراک‌شده $\rightarrow$ وندالیسم با مقدار t برابر با ۲۶٫۱۱۶، نشان‌دهنده یک رابطه بسیار قوی و معنادار است. همچنین مسیر وندالیسم $\rightarrow$ بیگانگی اجتماعی نیز با مقدار t معنادار ۱۳٫۲۴۶، رابطه مستقیمی بین این دو متغیر را تأیید می‌کند. مسیر بی‌عدالتی ادراک‌شده $\rightarrow$ بیگانگی اجتماعی نیز با آماره t برابر با ۲٫۴۵۵ در سطح ۰٫۰۵ معنادار

است. ضرایب t مربوط به گویه‌های مشاهده‌شده (مثلاً $x1$ تا $x24$) نیز نشان می‌دهد که تمام شاخص‌های اندازه‌گیری به‌طور معناداری سازه‌های پنهان مربوط به خود را تبیین می‌کنند، زیرا مقدار t همگی بالاتر از ۱,۹۶ هستند. این موضوع نشان‌دهنده روایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. در مجموع، مدل ارائه‌شده از برازش و ساختار نظری قابل قبولی برخوردار است و نتایج آن از فرضیه‌های اصلی پژوهش پشتیبانی می‌کنند.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل مسیر بین متغیرهای مدل پژوهش

Table 6: Results of path analysis between variables of the research model

بی‌عدالتی ادراک‌شده - < بیگانگی اجتماعی	ضریب استاندارد شده	انحراف معیار	عدد تی	سطح معنی‌داری
بی‌عدالتی ادراک‌شده - < وندالیسم	0.161	0.066	2.455	0.014
وندالیسم - < بیگانگی اجتماعی	0.681	0.026	26.116	0.000
	0.680	0.051	13.246	0.000

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بی‌عدالتی ادراک‌شده رابطه‌ای مستقیم و معنادار با هر دو متغیر وندالیسم و بیگانگی اجتماعی دارد. ضریب مسیر بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و بیگانگی اجتماعی برابر با ۰,۱۶۱ و مقدار t آن ۲,۴۵۵ است که در سطح ۰,۰۱۴ معنادار شده؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که درک نابرابری‌های اجتماعی در میان نوجوانان، سطح بیگانگی اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد اگرچه ضریب تأثیر این مسیر نسبتاً پایین است، این قوی‌ترین رابطه مدل است و نشان می‌دهد که درک نابرابری در میان نوجوانان، به‌طور مستقیم احتمال بروز رفتارهای وندالیستی را افزایش می‌دهد. تفسیر جامعه‌شناختی این مسیر را می‌توان با نظریه ناکامی-پرخاشگری (Dollard) و همچنین مفاهیم خرده‌فرهنگ مقاومت (Cohen) توضیح داد. در بافتی مانند شهر تهران، نوجوانانی که احساس می‌کنند از فرصت‌ها، فضاها و خدمات شهری سهمی ندارند، با احساس سرکوب و طرد روبه‌رو می‌شوند و این ناکامی، به پرخاشگری تبدیل می‌شود. وندالیسم در این معنا نه کنشی کور، بلکه پاسخ نمادین به ساختار ناعادلانه شهری است؛ نوعی اعتراض به دیده نشدن و بی‌عدالتی ساختاری که در قالب رفتارهای مخرب بروز می‌کند. در نتیجه، بی‌عدالتی فضایی را باید به‌مثابه یکی از محرک‌های بنیادین خشونت شهری نوجوانان در نظر گرفت.

همچنین مسیر بی‌عدالتی ادراک‌شده به وندالیسم با ضریب بالا و معنی‌دار ۰,۶۸۱ و آماره t برابر با ۲۶,۱۱۶ در سطح اطمینان بسیار بالا ($p < 0.001$) معنادار است. این یافته نشان‌دهنده آن است که هرچه نوجوانان احساس بی‌عدالتی بیشتری داشته باشند، گرایش آن‌ها به رفتارهای خرابکارانه و مخرب (وندالیسم) نیز بیشتر خواهد بود این مسیر قوی‌ترین رابطه را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که احساس بی‌عدالتی در نوجوانان می‌تواند به بروز مستقیم رفتارهای تخریبی منجر شود. این یافته با نظریه ناکامی-پرخاشگری همخوانی دارد و نشان می‌دهد که ناکامی ناشی از نابرابری‌های ساختاری می‌تواند به

پرخاشگری‌های بیرونی در قالب وندالیسم منجر شود. در کلان‌شهرهایی مانند تهران که فرصت‌های شهری به‌شدت نابرابر توزیع شده‌اند، این رفتارها را می‌توان نوعی «اعتراض خاموش» علیه نظم موجود تلقی کرد؛ مفهومی که در نظریه خرده‌فرهنگ کوهن نیز بازتاب یافته است.

از سوی دیگر، رابطه بین وندالیسم و بیگانگی اجتماعی نیز با ضریب 0.680 و آماره t برابر با 13.246 در سطح 0.001 معنی‌دار است. این بدان معناست که نوجوانانی که در رفتارهای وندالیستی مشارکت دارند، بیشتر دچار حس بیگانگی از جامعه می‌شوند و پیوند اجتماعی ضعیف‌تری احساس می‌کنند. این رابطه دوسویه میان کنش و احساس را نشان می‌دهد. نوجوانانی که وارد رفتارهای وندالیستی می‌شوند، به دلیل واکنش‌های طرد‌کننده جامعه، بیشتر دچار بیگانگی می‌گردند. در واقع، رفتارهای اعتراضی‌شان به حذف بیشتر از فضای رسمی، مجازات، برچسب‌زنی و طرد اجتماعی منجر می‌شود که خود، بیگانگی آنان را عمیق‌تر می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری، این یافته از «چرخه‌ی بازتولید حاشیه‌نشینی اجتماعی» پرده برمی‌دارد: نوجوانی که به دلیل طرد فضایی، وندال می‌شود، دوباره طرد می‌گردد و بیشتر بیگانه می‌شود. این چرخه، ساختارهای شهری را به‌جای ترمیم، به سمت تقویت طرد و نابرابری پیش می‌برد. مفاهیمی مانند «حق بر شهر» و «مالکیت نمادین فضا» در اینجا اهمیت می‌یابند، چراکه نوجوانان از طریق وندالیسم تلاش می‌کنند فضایی را بازتعریف کنند که احساس می‌کنند از آن‌ها ربوده شده است. یافته جالب توجه دیگر آن است که رفتارهای وندالیستی نه‌تنها پیامد بیگانگی هستند، بلکه خود نیز به تشدید آن منجر می‌شوند. در واقع، نوجوانی که در اثر بی‌عدالتی به کنش وندالیستی روی می‌آورد، در ادامه با واکنش‌های طردآمیز جامعه (مانند مجازات، برچسب‌زنی و حذف از فضاهای رسمی) مواجه می‌شود و این امر، بیگانگی او را دوچندان می‌کند. این چرخه‌ی تقویت‌شونده، نشان‌دهنده‌ی سازوکار بازتولید حاشیه‌نشینی روانی و اجتماعی در شهر است و می‌توان آن را با مفهوم «طرد فضایی» در نظریه‌های دیوید هاروی و اریک سوین اشاره کرد.

جدول شماره ۷: نتایج آزمون سوبل برای بررسی اثر میانجی بیگانگی اجتماعی

Table 7: Results of the Sobel test to examine the mediating effect of social alienation

نتیجه	سطح معناداری (p)	مقدار Z	انحراف معیار b (Sb)	ضریب مسیر b	انحراف معیار a (Sa)	ضریب مسیر a	مسیر میانجی‌گری
معنادار	0.016*	2.398	0.051	0.680	0.066	0.161	بی‌عدالتی ادراک‌شده ← بیگانگی اجتماعی ← وندالیسم

* $0.05 < \text{سطح معناداری}$

جدول شماره ۷ نتایج آزمون سوبل را برای بررسی نقش میانجی بیگانگی اجتماعی در رابطه بین بی‌عدالتی ادراک‌شده و وندالیسم نشان می‌دهد. بر اساس مقادیر به‌دست‌آمده، ضریب مسیر از بی‌عدالتی

ادراک شده به بیگانگی اجتماعی برابر با ۰,۱۶۱ و از بیگانگی اجتماعی به وندالیسم برابر با ۰,۶۸۰ است. با استفاده از این ضرایب و انحراف معیارهای مربوطه، مقدار Z برابر با ۲,۳۹۸ به دست آمد که در سطح معناداری ۰,۰۱۶، کوچکتر از ۰,۰۵ بوده و در نتیجه، معنادار تلقی می‌شود. این یافته حاکی از آن است که بیگانگی اجتماعی به‌طور معناداری نقش میانجی را در تأثیر بی‌عدالتی ادراک شده بر وندالیسم ایفا می‌کند و نشان می‌دهد که احساس بی‌عدالتی می‌تواند از طریق افزایش بیگانگی اجتماعی، به بروز رفتارهای وندالیستی در میان نوجوانان منجر شود. این یافته از منظر جامعه‌شناسی شهری دارای دلالت‌های عمیقی است. به‌ویژه در بافت شهری مانند تهران که شکاف‌های فضایی، اقتصادی و فرهنگی عمیق است، نوجوانانی که احساس تبعیض یا نادیده گرفته شدن دارند، ابتدا از ساختارهای اجتماعی و نهادی (مدرسه، خانواده، فضای شهری) فاصله می‌گیرند و دچار احساس بیگانگی می‌شوند. این فرآیند مطابق با دیدگاه مارکس (۱۸۴۴) به معنای گسست فرد از «خود»، «دیگران» و «جهان اجتماعی» است. در چنین وضعیتی، بیگانگی اجتماعی نه تنها پیامد نابرابری ادراک شده است، بلکه به‌مثابه مکانیسم روانی-اجتماعی عمل می‌کند که زمینه را برای بروز رفتارهای پرخطرانه در فضای عمومی فراهم می‌سازد. این تحلیل با مفاهیم نظریه عدالت فضایی نیز همخوان است؛ چراکه طرد از فضاهای شهری منجر به طرد ذهنی از شهر می‌شود و نوجوانان در پاسخ، اقدام به بازتعریف «مالکیت فضا» از طریق کنش‌های تخریبی می‌کنند. به بیان دیگر، بیگانگی اجتماعی در این مدل همانند یک پل عمل می‌کند که احساس محرومیت و نابرابری را به کنش‌های آسیب‌زا پیوند می‌دهد. از این منظر، تقویت حس تعلق، مشارکت شهری و دسترسی عادلانه به منابع نه تنها از نظر روانی مفید است، بلکه یک راهبرد پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهاست.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، هدف اصلی بررسی تأثیر بی‌عدالتی ادراک شده بر رفتارهای وندالیستی نوجوانان تهرانی بود، با تمرکز ویژه بر نقش میانجی‌گری بیگانگی اجتماعی. یافته‌ها نشان دادند که بین ادراک بی‌عدالتی و بروز رفتارهای تخریبی در میان نوجوانان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، بیگانگی اجتماعی به‌عنوان متغیری میانجی، نقش مؤثری در انتقال و تشدید تأثیر ادراک بی‌عدالتی بر وندالیسم ایفا می‌کند. به عبارتی، طرد اجتماعی، نبود تعلق مکانی و تجربه مستمر نابرابری در محیط‌های شهری، نوجوانان را مستعد کنش‌های اعتراضی می‌سازد؛ کنش‌هایی که در سطح نمادین، خود را به شکل رفتارهای وندالیستی بروز می‌دهند. در این چارچوب، وندالیسم نوجوانان نه به‌مثابه انحراف فردی یا انضباط‌گريزانه، بلکه به‌مثابه بازتاب نابرابری‌های ساختاری، ضعف در سرمایه اجتماعی و ناتوانی نهادهای شهری در فراهم کردن فضاهای معنادار برای حضور نوجوانان تحلیل می‌شود. چنین رویکردی،

تبیین این پدیده را از حوزه آسیب‌شناسی صرف خارج کرده و آن را در بستر روابط قدرت، شکاف‌های فضایی و بحران‌های هویتی نوجوانان شهری بازخوانی می‌کند. به بیان دیگر، مطالعه حاضر با نگاهی انتقادی و جامعه‌شناختی شهری، رفتارهای وندالیستی را به عنوان واکنشی به ساختارهای بازتولید نابرابری در کلان‌شهر تهران در نظر می‌گیرد؛ شهری که در آن، فقر فضایی، ناکامی آموزشی و طرد اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز انزوای فرهنگی و شکاف نسلی شود.

این یافته‌ها با پژوهش‌های موگاورو (Mogavero, 2025)، جیمو (Jimoh, 2025) و رحمان و همکاران (Rahman et al, 2023) هم‌راستا هستند که بر نقش ساختارهای نابرابر شهری، ضعف حمایت اجتماعی و تجربه تبعیض نهادی در افزایش رفتارهای پرخطر نوجوانان تأکید کرده‌اند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر با مطالعات داخلی مانند آزاد غلامی و همکاران (Azad gholami, 2024)، نبوی و همکاران (Nabavi et al, 2011) که بر زمینه‌های خانوادگی، آموزشی و شهری در تبیین وندالیسم تمرکز داشته‌اند، همخوانی دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که پدیده وندالیسم در میان نوجوانان تهرانی صرفاً یک رفتار انحرافی فردی نیست، بلکه بازتابی ساختاری از نابرابری‌های شهری، طرد اجتماعی و بی‌عدالتی نهادی است. بر اساس رویکرد جامعه‌شناسی شهری، وندالیسم در این پژوهش نه به عنوان کنشی بیمارگونه، بلکه به مثابه یک «زبان اعتراضی خاموش» در برابر نظم فضایی ناعادلانه و حذف نوجوانان از حق شهر تحلیل شده است. رابطه‌ی قوی میان بی‌عدالتی ادراک شده و رفتار وندالیستی و نقش میانجی‌گر بیگانگی اجتماعی، نشان می‌دهد که شهر تهران برای برخی از نوجوانان به فضایی غریبه، انکارکننده و طردکننده تبدیل شده است. در چنین بستری، نوجوانان حاشیه‌نشین که احساس نادیده گرفته شدن، بی‌قدرتی و انزوا دارند، از طریق تخریب فضاهای شهری، تلاش می‌کنند حضور و اعتراض خود را به صورت نمادین اعلام کنند. از این منظر، وندالیسم در کلان‌شهر تهران نه نشانه «فقدان نظم»، بلکه بازتابی از «نظمی ناعادلانه» است. بر این اساس، بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شهری با تأکید بر عدالت فضایی، طراحی مشارکتی فضاهای عمومی و بازگرداندن نوجوانان به عنوان «شهروندان فعال» به عرصه تصمیم‌گیری شهری، می‌تواند به کاهش ریشه‌های ساختاری و روانی این کنش‌های اعتراضی کمک کند. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که بین مناطق مختلف شهری تهران (بالا شهر، مرکز شهر و پایین شهر) در سه متغیر اصلی پژوهش - یعنی احساس بی‌عدالتی، رفتارهای وندالیستی و احساس بیگانگی اجتماعی - تفاوت‌های معنادار آماری وجود دارد ($p < 0.001$). به بیان دیگر، موقعیت مکانی و شرایط اجتماعی-اقتصادی مناطق شهری، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تجارب ذهنی و رفتاری نوجوانان ایفا می‌کند.

به طور خاص، یافته‌ها نشان داد که نوجوانان ساکن در مناطق پایین‌شهر بیشترین میزان احساس بی‌عدالتی ($M=4.04$)، رفتارهای وندالیستی ($M=3.95$) و احساس بیگانگی اجتماعی ($M=4.52$)

را تجربه می‌کنند. در مقابل، نوجوانان مناطق بالاشهر کمترین میزان این متغیرها را دارند. این الگو نشان می‌دهد که نابرابری فضایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح شهر تهران، به شکل مستقیم بر ادراک عدالت اجتماعی، احساس تعلق و نوع کنش‌های اجتماعی نوجوانان تأثیر می‌گذارد. از منظر جامعه‌شناسی شهری، این یافته‌ها مؤید آن است که شهر نه صرفاً یک فضای فیزیکی، بلکه عرصه‌ای اجتماعی-نمادین است که در آن تجربه‌ی زیسته‌ی افراد با میزان دسترسی به منابع، قدرت و معنا پیوند دارد. بر اساس نظریه عدالت فضایی لوفور و هاروی، نابرابری در توزیع خدمات، امکانات و فرصت‌ها، به احساس طرد فضایی و حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. چنین وضعیتی در کلان‌شهری مانند تهران، می‌تواند منبعی برای شکل‌گیری بیگانگی اجتماعی و در نهایت بروز رفتارهای وندالیستی به‌عنوان نوعی «اعتراض خاموش شهری» باشد. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش با نظریه‌های بی‌عدالتی ادراک‌شده هومانس و بیگانگی اجتماعی زیمل و سیمن نیز همخوانی دارد. نوجوانانی که احساس می‌کنند نظام اجتماعی و شهری با آنان برخوردی ناعادلانه دارد، در سطح شناختی و هیجانی دچار گسست از نهادهای جامعه‌پذیر می‌شوند. این گسست در بافت شهری محروم، به رفتارهای اعتراضی و پرخاشگرانه در فضاهای عمومی منتهی می‌شود؛ بنابراین، وندالیسم شهری نه صرفاً انحراف فردی، بلکه بازتابی از بی‌عدالتی ساختاری و بیگانگی اجتماعی در بستر کلان‌شهر نابرابر است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نابرابری فضایی و طبقاتی در شهر تهران، در تعامل با بی‌عدالتی ادراک‌شده، به افزایش احساس بیگانگی و بروز رفتارهای ضداجتماعی در میان نوجوانان منجر می‌شود. این نتیجه بر ضرورت توجه مدیران شهری، برنامه‌ریزان اجتماعی و سیاست‌گذاران شهری به مقوله‌ی عدالت فضایی، باز توزیع خدمات شهری، تقویت مشارکت اجتماعی و ایجاد فضاهای تعلق برای نوجوانان در مناطق کم‌برخوردار تأکید دارد. تنها از رهگذر چنین رویکردی می‌توان به کاهش احساس بی‌عدالتی، تقویت پیوند اجتماعی و کاهش رفتارهای وندالیستی در کلان‌شهر تهران دست یافت.

از منظر جامعه‌شناسی شهری، این پژوهش گویای آن است که کلان‌شهر تهران به‌عنوان یک فضای اجتماعی-فضایی نابرابر، بستری را فراهم می‌کند که در آن نوجوانان به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، دچار بیگانگی فضایی، طرد هویتی و احساس حذف از فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری می‌شوند. در این شرایط، وندالیسم می‌تواند به‌مثابه نوعی «زبان اعتراضی خاموش» در برابر سازوکارهای بازتولید بی‌عدالتی فضایی عمل کند. تحلیل‌های فضایی از داده‌های رفتاری نوجوانان در کلان‌شهرها نشان می‌دهد که تراکم رفتارهای تخریبی اغلب در نواحی با پایین‌ترین سطح دسترسی به فضاهای فرهنگی، ورزشی، آموزشی و خدمات شهری رخ می‌دهد. در پی نتایج حاصل از این پژوهش، چندین پیشنهاد کاربردی با تأکید بر رویکرد جامعه‌شناسی شهری ارائه می‌شود که می‌تواند در راستای کاهش رفتارهای وندالیستی نوجوانان، ارتقاء عدالت شهری و تقویت پیوندهای اجتماعی در فضاهای شهری مؤثر باشد. نخست آن که

لازم است سیاست‌های مدرسه‌ای در حوزه آموزش و پرورش بازنگری شوند؛ به گونه‌ای که عدالت رویه‌ای در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، انضباطی و توزیع منابع تقویت گردد. این امر می‌تواند با مشارکت واقعی دانش‌آموزان و خانواده‌ها در فرآیند تصمیم‌سازی مدارس تحقق یابد و از شکل‌گیری احساس طرد یا نابرابری جلوگیری کند. دوم آن‌که توسعه فضاهای عمومی فرهنگی، ورزشی و تفریحی در محلات کم‌برخوردار شهر تهران امری ضروری است؛ چراکه تجربه بیگانگی اجتماعی در نوجوانان غالباً در محلاتی تشدید می‌شود که فاقد فضاهای مشارکتی و فرهنگی مناسب‌اند. فراهم‌سازی زیرساخت‌های اجتماعی همچون خانه‌های فرهنگ، کتابخانه‌های محلی، زمین‌های بازی و مشاوره‌گاه‌های نوجوان می‌تواند بستر مناسبی برای تعاملات اجتماعی سازنده فراهم آورد.

در سطح روانی و آموزشی، طراحی و اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای و تربیتی با تمرکز بر آموزش عدالت اجتماعی، تاب‌آوری، گفت‌وگوی همدلانه و مشارکت مدنی در مدارس، به نوجوانان امکان می‌دهد تجربه‌های نابرابری را در قالب‌های سالم و مؤثر ابراز کنند. از سوی دیگر، لازم است سیاست‌گذاران شهری با طراحی نهادهای مشورتی مشارکت‌محور نظیر «شورای نوجوانان محله» یا «پارلمان دانش‌آموزی شهری» بستری فراهم سازند که نوجوانان خود را بخشی از ساختار تصمیم‌گیری شهری بدانند. این اقدام می‌تواند حس تعلق، مسئولیت‌پذیری و اعتماد متقابل را افزایش دهد.

ابعاد کاربردی این پژوهش گسترده‌اند. در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی، می‌توان از یافته‌ها برای طراحی مداخلاتی استفاده کرد که بر افزایش عدالت در توزیع منابع مدرسه‌ای، تقویت مشارکت دانش‌آموزان و بازسازی حس هویت محلی تمرکز دارند. در حوزه برنامه‌ریزی شهری نیز، توجه به عدالت فضایی، توزیع عادلانه فضاهای عمومی و ارتقاء حس تعلق نوجوانان به محله‌ها، می‌تواند در کاهش گرایش به رفتارهای ضداجتماعی مؤثر باشد. نهادهای مشاوره‌ای نیز باید به جای تمرکز بر انضباط صرف، به شناسایی تجربه‌های زیسته‌ی نوجوانان از تبعیض، بی‌عدالتی و طرد اجتماعی توجه کنند.

امتیاز و نوآوری این تحقیق در آن است که برای نخستین بار در چارچوب جامعه‌شناسی شهری ایران، رابطه‌ی سه‌گانه‌ی «بی‌عدالتی ادراک‌شده»، «بیگانگی اجتماعی» و «وندالیسم» را به صورت هم‌زمان و علی با استفاده از مدل معادلات ساختاری (SEM) بررسی کرده است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که معمولاً به روابط دوتایی و سطحی میان متغیرها بسنده می‌کردند، این مطالعه با تلفیق نظریه‌های عدالت اجتماعی، بیگانگی مارکسیستی و مدل ناکامی-پرخاشگری، الگویی جامع از سازوکار روانی-اجتماعی رفتارهای وندالیستی نوجوانان در بستر نابرابری‌های شهری ارائه می‌دهد. نوآوری دیگر این پژوهش، توجه ویژه به نقش میانجی‌گری بیگانگی اجتماعی است که به عنوان پل انتقال احساس بی‌عدالتی به کنش‌های تخریبی عمل می‌کند. این تحلیل تلفیقی، علاوه بر غنای نظری، مسیرهای کاربردی روشنی برای سیاست‌گذاری اجتماعی و شهری فراهم می‌سازد.

از منظر کاربردی، این مطالعه توصیه می‌کند که سیاست‌گذاران شهری و آموزشی، به جای تمرکز صرف بر انضباط‌گری یا برخورد‌های سلبی با نوجوانان، به اصلاح فضاهای شهری، بازتولید حس تعلق و ارتقای عدالت نهادی و فضایی بپردازند. به‌ویژه، نواحی کم‌برخوردار باید هدف مداخلاتی قرار گیرند که فرصت‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی معناداری را در اختیار نوجوانان قرار دهند. این اقدامات می‌تواند سرمایه اجتماعی محلی را تقویت کرده و به بازسازی پیوندهای گسسته بین نوجوانان و ساختارهای شهری بینجامد.

از منظر نظری، این تحقیق بر کارآمدی تلفیق مفاهیم بی‌عدالتی ادراک‌شده و بیگانگی اجتماعی در تحلیل رفتارهای شهری نوجوانان تأکید دارد. چنین رویکردی باعث می‌شود وندالیسم نه به‌مثابه انحراف فردی، بلکه به‌عنوان بازتابی از ناهماهنگی میان ساختارهای شهری و نیازهای نسل جوان فهمیده شود. این مطالعه در چارچوب جامعه‌شناسی شهری، گامی در جهت غنی‌سازی ادبیات تحلیلی کنش‌های اعتراضی نوجوانان در فضاهای نابرابر شهری برداشته است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی کمی و کیفی، تجربه‌های زیسته نوجوانان در مواجهه با نابرابری اجتماعی و طرد فضایی را تحلیل کرده و متغیرهایی چون کیفیت رابطه با معلمان، مشارکت در فضاهای عمومی محلی و دسترسی به امکانات شهری را به‌عنوان عوامل تعدیل‌گر بررسی کنند. طراحی بانک‌های اطلاعاتی محلی، تحلیل فضایی رفتارهای آسیب‌زا و مشارکت مستقیم نوجوانان در تدوین راهکارهای شهری، از دیگر اقدامات مؤثر در ارتقاء عدالت شهری و کاهش وندالیسم خواهد بود.

References:

- Abbasi Sultani, Jafar, Elmi, Mahmood. (2019). "The relationship between the amount of activity in cyberspace and students' sense of social alienation in Marand universities." *Sociological studies*, vol. 12, no. 42, pp. 83-102. 10.30495/jss.2019.666671.
- Abdollahi, Z., & Ghasemi, L. (2024). *Iranian Journal of Social Studies*, 11(2), 89–103.
- Ackerman, J. (2023). Urban vandalism and the psychology of social alienation in city environments. *Urban Social Psychology Quarterly*, 19(2), 112–130.
- Afshani, S. A., & Javaherchian, N. (2020). Explanation of relationship between social alienation and vandalism among high school students in Yazd. *Strategic Research on Social Problems*, 9(3), 77–93. https://ssoss.ui.ac.ir/article_20952_en.html
- Ahmad, M., & Najeeb, K. (2024). *Asian Journal of Humanities and Social Sciences Research (AJHSSR)*, 8(9). <http://www.ajhssr.com>

- Ahmadi, F., Hassani, M., & Ahmadi, S. (2020). School belongingness among Tehran adolescents. *Journal of Adolescence and Youth*, 25(1), 112–123. <https://doi.org/10.1080/02673843.2020.1730200>
- Allegra, M., Bono, I., & Rokem, J. (2013). Mobilising urban dissent. *Urban Studies*, 50(6), 2511–2530. <https://doi.org/10.1177/0042098013482841>
- Azad gholami khesmakhi, Z., Abachi, M., Mirebrahimi, S. A. and Yaghoobi, A. (2024). Spatial Analysis of Vandalism Behavior of First and Second High School Students on District 2 of Rasht. *Geographical Engineering of Territory*, 8(1), 103–122. doi: 10.22034/jget.2023.345286.1430
- Benyoun, M. (2020). Analysis of spatial rupture and protest actions of adolescents in Tehran's marginal neighborhoods. *Urban Sociology Research Journal*, 9(3), 59–78.
- Dollard, J., Doob, L. W., Miller, N. E., Mowrer, O. H., & Sears, R. R. (1939). *Frustration and Aggression*. Yale University Press. <https://archive.org/details/frustrationaggre00doll>
- Durkheim, E. (1951). *Suicide: A Study in Sociology* (J. A. Spaulding & G. Simpson, Trans.). Free Press. <https://archive.org/details/suicidestudyinso00durk>
- Fehintola, V. A., Sinabio, D. S., & Samaila, H. (2025). The triad of influence: Peer pressure, community factors, and gender as determinants of delinquent behaviour among school-attending adolescents in Ibadan, Nigeria. *Journal of Theoretical and Empirical Studies in Education*, 10(1).
- Fisher, B., & Devlin, R. (2021). Governing through vandalism: Public space, exclusion, and social control. *Antipode*, 53(3), 814–833. <https://doi.org/10.1111/anti.12693>
- Harvey, D. (2008). The right to the city. *New Left Review*, (53), 23–40. <https://newleftreview.org/issues/II53/articles/david-harvey-the-right-to-the-city>
- Jafari, H., Nasrabadi, A. N., & Nayeri, N. D. (2024). Impaired health in working children: A critical ethnography. *BMC Public Health*, 24, 1–14. <https://doi.org/10.1186/s12889-024-19135-z>
- Jalilisadrabad, S., & Behzadfar, M. (2023). Strategies to reduce urban stress. In *Stress Relief Urban Design* (pp. 52–67). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-99-4202-2_4
- Jimoh, B. E. (2025). Factors influencing high rates of anti-social behavior among youths in Lafia Metropolis, Nasarawa State, Nigeria: A criminological analysis. *Alvan Journal of Social Sciences*, 2(1), 1–10.
- Joosse, P. (2021). Narratives of rebellion. *European Journal of Criminology*, 18(1), 115–132. <https://doi.org/10.1177/1477370819874426>
- Kuppens, T., & Spears, R. (2020). Perceived group-based injustice and aggressive protest: Role of urban marginalization. *British Journal of Social Psychology*, 59(1), 27–49. <https://doi.org/10.1111/bjso.12335>
- Landreau, S. (2023). *Journal of Adolescent Deviance*, 7(3), 54–71.

- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Blackwell.
https://monoskop.org/images/4/4f/Lefebvre_Henri_The_Production_of_Space.pdf
- Mahmoudi, H., Brown, M. R., & Amani Saribagloo, J. (2018). The role of school culture and psychological needs in academic alienation. *Youth & Society*, 50(3), 284–301. <https://doi.org/10.1177/0044118X15593668>
- Marx, K. (1844). *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*. <https://www.marxists.org/archive/marx/works/1844/manuscripts/>
- Mogavero, M. C. (2025). Understanding adolescent cognition and decision-making—Overview and diversion from the justice systems. In *Mental Health, Neurodiversity, and Criminal Justice* (pp. 77–98). Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-031-50979-6_5
- Nabavi, A., Moltafet, H. and Baratiyan, A. (2011). A Survey of affecting factors on high school student's vandalistic behaviors in Izeh. *Journal of Applied Sociology*, 22(3), 83-100.
- Norouzi, A. and Gharani Arani, B. (2025). Analyzing the Causes and Consequences of Rural Vandalism: A case study of BaghBahadoran District. *Journal of Rural Research*, 16(1), 81-96. doi: 10.22059/jrur.2025.386003.2004.
- Parker, C., & Lynn, H. (2023). Broken cities: Youth alienation and the failure of urban policy. *Critical Social Policy*, 43(1), 56–75.
<https://doi.org/10.1177/02610183221096082>
- Pickett, J. T., & Wilkinson, D. L. (2020). Teenage perceptions of injustice, trust in authorities, and urban disorder. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 57(1), 5–38. <https://doi.org/10.1177/0022427819876543>
- Rahman, A. A., Nurwiyanto, M., & Amanat, D. (2023). Conflict-related behavior among Sundanese Muslim students. *Social Psychology and Society*.
<https://doi.org/10.17759/sps.2023140404>
- Saadati. (2020). A sociological study of the role of social processes in explaining risky behaviors. *Strategic Research on Social Issues*, 9(2), 109–134.
- Sennett, R. (1990). *The Conscience of the Eye: The Design and Social Life of Cities*. W. W. Norton.
- Shahi, A., & Abdoh-Tabrizi, E. (2020). Iran's 2019–2020 demonstrations. *Asian Affairs*, 51(2), 209–226. <https://doi.org/10.1080/03068374.2020.1712889>
- Shariatnejad, Ali and Hassanvand, Faezeh. (2023). Investigating the effect of conspicuous consumption on social capital; explaining the mediating role of perceived injustice. *Journal of Social Capital Management*. doi: 10.22059/jscm.2023.367037.2452
- Tsyganenko, K., & Petrov, I. (2021). The problem of vandalism among teenagers and ways to solve it. *Skif. Voprosy Studencheskoy Nauki*, 2021(1).
- Vatikiotis, P., & Yörük, Z. F. (2016). Urban protest and alienation. *Social Media + Society*, 2(3), 1–32. <https://doi.org/10.1177/2056305116662184>

- Wacquant, L. (2008). *Urban Outcasts: A Comparative Sociology of Advanced Marginality*. Polity Press.
- White, J., Lee, D., & Brown, K. (2022). A systematic review of adolescent vandalism in urban contexts. *Urban Youth Studies*, 14(2), 101–123.
- White, R., Tienda, M., & Wilson, W. J. (2022). Youth, crime, community development and social justice. In *Youth in Cities: A Cross-national Perspective* (pp. 135–152). Springer.
- Wood, N., & Graham, S. (2022). Urban youth, structural violence and the making of marginality. *Urban Studies*, 59(5), 933–951. <https://doi.org/10.1177/00420980211051296>

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

